



Drawing Alternative Scenarios of Tehran Identity Transformation by Using Layered Causal Analysis Method

Mohsen Niazi 


Professor of Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran. niazi@kashanu.ac.ir

Mohammad Nikpeyma 

Ph.D. Candidate, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Art, University of Guilan, Rasht, Irannikpeyma.m@gmail.com

Maede Mohaghegh Montazeri* 

Ph.D. Candidate, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran. m.mohaghegh.montazeri@gmail.com

Esmail Mazroui Nasrabadi 

Assistant Professor, Department of Business Administration, Faculty of Financial Science, Management and Entrepreneurship, Kashan University, Kashan, Iran. drmazroui@kashanu.ac.ir

Abstract

Purpose: Damages caused by globalization, rapid urbanization and technological changes have shown the importance of identity, especially in big cities. For this reason, preserving urban identity is an important issue in the field of sustainable development. The purpose of the present study is to change the identity of the city of Tehran with the qualitative method of prospective research (causal layer analysis) in order to break the structure of the city's identity problem and formulate alternative scenarios.

Method: The statistical population of this research includes 14 experts in architecture, urban planning and urban sociologist, selected by purposeful sampling method and semi-structured interview tool was used. In order to be reliable and valid, by relying on the subject literature and comparing the findings, the design of interview guidelines and theoretical sampling was considered and by presenting the findings to 2 experts. Then, by analyzing the themes of the interviews, their opinions were presented in the form of 4 tables with the titles of litany, systematic causes, discourse and worldview, metaphor and myth.

Findings: The findings of the study show that in the litany layer, the obvious problem is the identity crisis of the city of Tehran, which is in four categories: "confused, famous, fluid and plural identity, meaningless and soulless", in the layer of systematic causes, "short-term society, speculative spaces, unrestrained spinning, flaming", in the layer of discourse and worldview, "modernism of underdevelopment, urban neoliberalism, global development of the city, individualism and diversity" and in the fourth layer, "everything that is hard and stable will smoke and go into the air "The nakedness of poverty and wealth, in the whirlwind of the global city, is the forgotten city".


Conclusion: Finally, two drivers of underdevelopment modernism and urban neoliberalism were selected based on importance and uncertainty, and based on that, 4 scenarios were presented in the form of a diagram that can be considered in urban management decision making.

Keywords: Future studies, causal layer analysis, urban identity, Identity of Tehran, urban neoliberalism

Cite this article: Niazi, Mohsen. Nikpeyma, Mohammad. Mohaghegh Montazeri, Maede. Mazroui Nasrabadi, Esmail (2023), Drawing Alternative Scenarios of Tehran Identity Transformation by Using Layered Causal Analysis Method, Volume8, NO.2 full & winter 2024,174-219

DOI: 10.30479/JFS.2024.18810.1482

Received on: 27May2023, , **Accepted on:** 1Februay2023

Copyright© 2023, The Author(s). 

Publisher: Imam Khomeini International University

Corresponding Author/ E-mail :Maede Mohaghegh Montazeri / m.mohaghegh.montazeri@gmail.com



ترسیم سناریوهای بدیل دگردیسی هویت شهر تهران با کاربست روش تحلیل لایه‌ای علی

محسن نیازی¹

استاد جامعه شناسی گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. niazi@kashanu.ac.ir

محمد نیک پیمان²

دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری دانشگاه گیلان، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان، رشت، ایران. Irannikpeyma.m@gmail.com

مائده محقق منتظری^{3*}

دانشجوی دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. نویسنده مسئول

m.mohaghegh.montazeri@gmail.com

اسماعیل مزروعی نصرآبادی⁴

استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. drmazroui@kashanu.ac.ir

چکیده

هدف: آسیب‌های ناشی از جهانی‌شدن، شهرنشینی سریع و تغییرات تکنولوژیکی اهمیت هویت را به‌ویژه در کلان‌شهرها نشان داده است. به همین دلیل حفظ هویت شهری یک مسئله مهم در زمینه توسعه پایدار است. هدف از مطالعه حاضر، بررسی تغییرات هویت شهر تهران با روش کیفی آینده‌پژوهی (تحلیل لایه‌ای علی)، به منظور ساختار شکنی از مسئله هویت شهر و تدوین سناریوهای بدیل است.

روش: جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۴ نفر از متخصصان معماری، شهرسازی و جامعه‌شناس شهری، با روش نمونه‌گیری هدفمند و مبتنی بر مصاحبه نیمه ساختاریافته است. به منظور پایایی و اعتبار، با اتکا به ادبیات موضوع و مقایسه یافته‌ها، طراحی دستورالعمل مصاحبه و نمونه‌گیری نظری و ارائه یافته‌ها به ۲ نفر از متخصصان، مورد تأمل قرار گرفت. سپس با تحلیل تم مصاحبه‌ها، نظرات آن‌ها در قالب ۴ جدول با عناوین لیتانی، علل سیستماتیک، گفت‌وگو و جهان‌بینی، استعاره و اسطوره ارائه گردید.

یافته‌ها: یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد در لایه لیتانی مسئله مشهود بحران هویت شهر تهران است که در چهار مقوله «آشفته، شهر تقابل‌ها، هویت سیال و متکثر، معنا باخته و بی‌روح»، در لایه علل سیستماتیک «جامعه کوتاه‌مدت، فضاهای سوزانده، گردونه بی‌مهاری، بلازه شدن»، در لایه گفت‌وگو و جهان‌بینی «مدرنیسم توسعه‌نیافتگی، تئولیرالیسم شهری، توسعه جهانی شهر، فردگرایی و تنوع‌گرایی» و در لایه چهارم «هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود، عریان‌شدگی فقر و غنا، در گردباد کلان‌شهر جهانی، شهر نسیان زده» است.

نتیجه‌گیری: در نهایت دو پیشران مدرنیسم توسعه‌نیافتگی و تئولیرالیسم شهری، مبتنی بر اهمیت و غیرقطعی بودن انتخاب شدند و بر اساس آن ۴ سناریو در قالب نموداری ارائه گردید که می‌توان در تصمیم‌گیری مدیریت شهری مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، تحلیل لایه‌ای علی، هویت شهری، هویت تهران، تئولیرالیسم شهری

*استاد: نیازی، محسن، نیک پیمان، محمد، محقق منتظری، مائده، مزروعی نصرآبادی، اسماعیل (۱۴۰۲) / ترسیم سناریوهای بدیل دگردیسی هویت شهر تهران با کاربست روش تحلیل لایه‌ای علی

دو فصلنامه علمی آینده پژوهی ایران، مقاله پژوهشی، دوره ۸، شماره ۲، پاییز وزمستان ۱۴۰۲، ۱۷۴-۲۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۳/۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲

ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

شهر عرصه‌ای است که در آن ما خود را شناسایی می‌کنیم و با دیگران و محیطمان تعامل می‌کنیم. هویت شهری را می‌توان به‌عنوان تأثیری که توسط ارزش‌های محیطی، تاریخی، اجتماعی - فرهنگی و فضایی بر ساکنان آن اعمال می‌شود تعریف کرد (کاندمیر، ۲۰۱۷). هویت یک بعد مهم از زندگی اجتماعی و فرهنگی را تشکیل می‌دهد که فراتر از ظاهر فیزیکی مکان است (کایماز، ۲۰۱۳). در واقع، استدلال می‌شود که ساختار کالبدی فضای شهری با ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی آن و همچنین با فرآیندهای سیاسی و ساختار اقتصادی آن هم‌خوانی دارد (باریس و همکاران، ۲۰۰۹؛ نینتند، ۲۰۱۸). هویت شهری مفهومی است که اخیراً اهمیت بیشتری در زمینه شهرسازی پیدا کرده است، زیرا گرایش توسعه شهری تحت نیروهای جهانی شدن منجر به ایجاد شهرهای یکپارچه می‌شود. درست مانند فرد، یک مکان یا شهر باید هویت داشته باشد تا به‌عنوان نهادی متمایز از مکان‌های دیگر شناخته یا به خاطر آورده شود (هارتانتی، ۲۰۱۴). شهرها، در عصر حاضر، به‌شدت نیاز به داشتن یک هویت منحصربه‌فرد و متمایز دارند. رلف^{۱۱۵}، به‌عنوان یکی از پیشگامان در زمینه تحقیقات هویت شهری، نیاز به مکان‌هایی برای داشتن هویت متمایز را توصیف کرده است (لوگت، ۲۰۱۳). هویت شهری به مردم کمک می‌کند تا بیشتر به محیط خود وابسته باشند، به‌طوری‌که آن‌ها مایل به دفاع از پایداری آن گردند. هویت درک شده یک شهر را می‌توان برای شناسایی معیارهای بهبود تصویر و کیفیت مطلوب مورد استفاده قرار داد. به همین دلیل است که حفظ هویت شهری یک مسئله مهم در زمینه توسعه پایدار است (هارتانتی، ۲۰۱۴). به‌بیان‌دیگر، «هویت شهر را می‌توان به‌عنوان روح یک شهر تعریف کرد که نقش مهمی در افزایش رقابت شهری ایفا می‌کند» (گائو، ۲۰۱۰). مفهوم هویت مکان همچنین به شهرها اجازه می‌دهد تا میراث ذاتی و منحصربه‌فرد خود مانند فرهنگ، هنر، آموزش، سلامت و غیره را ایجاد کرده یا از آن بهره ببرند؛ از این رو، این امکان را به آن‌ها می‌دهد که با حفظ منحصربه‌فرد بودن و میراث اجتماعی خود - که اغلب در شهرهای به‌سرعت نوسازی شده یک مسئله است - همچنان رقابتی باقی بمانند (مورنو و همکاران، ۲۰۲۱: ۹۹). اخیراً، ویژگی‌های متمایز شهری از جمله میراث‌های تاریخی در روند سریع شهرنشینی و رشد اقتصادی به‌شدت آسیب‌دیده است، و بحران از دست دادن هویت شهری که

بسیاری از آن‌ها در دهه‌های اخیر مشابه شده‌اند، ایجاد کرده است. بحران هویت شهر در سراسر جهان را می‌توان از بحران ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی، بحران منابع طبیعی و همگن‌سازی شهر مشاهده کرد. از دست دادن هویت شهر ممکن است ناشی از قطع سنت‌های تاریخی و تسلط سریع شهرنشینی باشد (هوانگ، ۲۰۱۹: ۱۶-۱۵). بسیاری از شهرها با بحرانی مواجه هستند که در آن شخصیت تاریخی و هویت اصیل خود به تدریج و به ناچار در حال ناپدید شدن است (آکار آرکان، ۲۰۱۶).

بنابراین، هویت شهری می‌تواند در طول زمان به دلیل عوامل مختلفی مانند جهانی‌شدن، دگرگونی شهری و تغییرات سبک زندگی متحول گردد (نینتند، ۲۰۱۸؛ بیهان و گورکان، ۲۰۱۵؛ کوتسال، ۲۰۱۳). بررسی هویت شهری در شناخت شکل‌گیری و دگرگونی شهرها حائز اهمیت است. از شهرهایی که در هویت شهری خود دستخوش تغییراتی شده‌اند می‌توان به روتردام و تهران اشاره کرد (مهن، ۲۰۱۷؛ نینتند، ۲۰۱۸).

بیان مسئله

وسعت، تمرکز بالای جمعیت، تراکم ساختمانی، تخریب بافت‌های تاریخی، سلطه اتومبیل، سرعت بالای تغییرات تکنولوژی و ارتباطات مجازی، تغییر سبک زندگی، در اولویت قرار گرفتن معیارهای پولی، تنوع قومیت‌های ساکن و تحولات ناشی از گرایش به سمت بازارهای جهانی، هویت شهر تهران را دستخوش تغییرات بنیادین کرده است؛ تا جایی که گاهی «بحران هویت» در تهران به صورت «نابودی هویت» ادراک می‌شود. سؤال از هویت شهر تهران، سؤالی است که مخاطبین را عمیقاً به فکر فرومی‌برد و در اغلب موارد، پاسخ «سکوت» است. اما پرسش این است که آیا مؤلفه‌های نام‌برده، خود سازنده هویت جدید شهر تهران نیستند؟

آسیب‌های ناشی از جهانی‌شدن، شهرنشینی سریع و تغییرات تکنولوژیکی، اهمیت بحث هویت را به‌ویژه در کلان‌شهرها برجسته می‌کند؛ به‌عنوان مثال اسپارتا^{۱۱۶} یک شهر معمولی در آناتولی است. درحالی‌که قبلاً شهری با هویت بود، اکنون هویت اصیل خود، به‌ویژه هویت مرکز شهر را از دست داده و جهانی شده است. تحول شهری در اسپارتا به هویت شهری آسیب‌زایی وارد کرده است (بیهان و گورکان، ۲۰۱۵: ۱۸۷). «هویت شهری مدرن در وینیتسیا^{۱۱۷} در دوران پس از اتحاد جماهیر شوروی به

116. Isparta

117. Vinnytsia

طرز چشمگیری تغییر کرده است و امروزه به تدریج در حال شکل دادن به قطعاتی است که در کنار یکدیگر، دوره‌های مختلف تاریخ شهری را نشان می‌دهند» (ملیچوک و گناتیوک، ۲۰۱۹: ۴۷). و به‌طور خاص، در چین، شهرنشینی سریع در نتیجه رشد اقتصادی منجر به کاهش هویت شهری شده است (هوانگ، ۲۰۱۹)، در شهرهای اروپای شرقی، استراتژی اصلی ایجاد هویت اروپایی، با هدف شکل دادن به هویت مدرن، بین‌المللی و سرمایه‌داری و رد کامل گذشته سوسیالیستی است (تولل، ۲۰۱۰). از سوی دیگر رشد فزاینده فناوری اطلاعات بر هویت شهرهایی مانند آمستردام، نیویورک و... تأثیرگذار بوده است، لذا بر قدرت رسانه‌های اجتماعی برای بازاریابی، ایجاد و دفاع از هویت مکانی خود تکیه می‌کنند (پوژول و همکاران، ۲۰۱۷). در مرحله شهرنشینی پرسرعت در شهرهای غربی بحران میراث وجود دارد، به‌عنوان مثال در دوره گسترش سریع مقدونیه و روم باستان، پدیده یکسان‌سازی نمای شهری نیز وجود داشت (سیسازار، ۲۰۰۹).

از جمله شهرهای موفق که هویت شهری خود را احیا و حفظ نموده‌اند، می‌توان از پاریس و سئول یاد کرد؛ پاریس به خاطر تلاش‌های خود برای حفاظت شهرت دارد، زیرا بسیاری از ساختمان‌ها و مکان‌های دیدنی آن به قرن‌ها قبل برمی‌گردند و هنوز پابرجا هستند. از سوی دیگر، سئول رویکرد متفاوتی را برای حفاظت در پیش گرفته است و بر «حفاظت از طریق آفرینش» با گنجاندن عناصر سنتی در معماری و طراحی مدرن تمرکز کرده است (لی و بونو، ۲۰۱۴). مناطق سکونتگاهی سنتی آناتولی نیز در حفظ گذشته و هویت خود از نظر اجتماعی، فرهنگی و فضایی موفق بوده و به جاذبه‌های گردشگری تبدیل شده‌اند (اکیلدز و اولگان، ۲۰۲۰). همچنین سنگاپور و نیویورک دو نمونه از شهرهایی هستند که هویت شهری خود را از طریق مدیریت مؤثر برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌گذاری برای مناطق هویتی، در طول فرآیند بازتوسعه با موفقیت حفظ کرده‌اند (لیو و وانگ، ۲۰۱۹). در منطقه خلیج فارس، دبی، جدّه و دوحه شهرهایی هستند که با موضوع هویت و پیامدهای آن در مواجهه با رشد سریع شهرنشینی سروکار دارند؛ تلاش‌هایی برای کشف مجدد هویت‌های فرهنگی در حال از بین رفتن آن‌ها، که از زمان کشف نفت در دهه ۱۹۵۰ اتفاق افتاد، انجام می‌شود (بوسا، ۲۰۱۶).

مدرنیته ایرانی که بیشتر در قالب شهر و فضا در سده اخیر اتفاق افتاده است، در بخش مادی خود (ایجاد فضاهای جدید) توانسته است به نوعی شبیه‌سازی از فضاهای مشابه با کشورهای توسعه‌یافته دست یابد، اما این مقوله به‌هیچ‌وجه به معنای به وجود آمدن شکل‌های غیرمادی که بتوانند امکان انطباق با حوزه فرهنگ جامعه را ایجاد کنند، نبوده است (فکوهی، ۱۳۹۹: ۱۵۹). در واقع یکی از مسائل شهرهای معاصر با رشد سریع شهرنشینی، بحث هویت شهری است که کم‌توجهی به ابعاد فیزیکی و شناختی و اجتماعی آن منجر به پیدایش شهرهایی با هویت یکپارچه و همگن‌شده که احساس تعلق خاطر و معنا را ایجاد نمی‌کند.

تهران به‌عنوان پایتخت ایران و یکی از کلان‌شهرهای بزرگ با جمعیت رو به گسترش، دچار بحران هویت شهری است. عواملی مختلفی از جمله افزایش درآمدهای نفتی، شهرنشینی شتاب‌زده، گسیل مهاجرت‌های روستا به شهر و افزایش جمعیت با تنوع قومی، تحولات سبک زندگی تحت تأثیر تفکر مدرن و غربی شدن و الگوهای جدید مصرف، تغییرات سریع تکنولوژی و نو شدن مصالح، گسست هویتی ... (فکوهی، ۱۳۹۹؛ فکوهی و یزدی، ۱۳۹۲؛ یاهک و همکاران، ۱۳۹۹) منجر به ظهور شهری دچار اغتشاش و آشفتگی در کالبد و معنا و عدم احساس تعلق شهروندان به آن شده است. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد میزان تعلق ساکنان به شهر تهران و روابط انسانی محلی در حال کاهش است (شیانی و همکاران، ۱۳۹۱). بازسازی تهران غیر از مدرنیته و میل به تخریب با جریان سرمایه نیز همراه است. سرمایه، فضا و روابط را به نفع خود تسخیر می‌کند. تهران بر اساس مطالعات مختلف تصویر شهری نابرابر است (شالچی و همکاران، ۱۳۹۵؛ محمدی زاده اصل و همکاران، ۱۳۸۹؛ باباگلی، ۱۳۹۲). روندهای فعلی در تحقیقات هویت شهری شامل اهمیت فضاهای عمومی شهری سنتی در حفظ هویت مکان، منظر شهری (اشفینا و همکاران، ۲۰۲۲) و نقش طراحی شهری در ساخت هویت مکان (حسان، ۲۰۱۴) همچنین حفاظت از هویت فضای شهری در عصر اینترنت است (هاو و همکاران، ۲۰۲۰). به‌طورکلی، تحقیقات فعلی بر درک عواملی که به بهبود هویت فضاهای شهری کمک می‌کنند و چگونگی حفظ و ارتقای آن‌ها در مواجهه با شهرنشینی و تغییرات تکنولوژیک متمرکز است.

سؤالاتی که در این پژوهش در باب مسئله هویت شهری به ذهن می‌رسد عبارت‌اند از: آیا می‌توان سنت و هویت مکان را تحت شرایط جهانی‌شدن حفظ کرد؟ آیا تلاش‌ها برای نجات هویت و ماهیت

منحصربه‌فرد مکان‌های در حال ناپدید شدن شانس برای موفقیت دارند، یا صرفاً مقولاتی خیالی هستند؟ نقش حکمرانی شهری، معماران، برنامه‌ریزان و ساکنان در این فرآیند چیست؟

پیشینه پژوهش

موضوع هویت شهری بسیار گسترده و بحثی بین‌رشته‌ای است، محققان با رویکردهای متفاوت کالبدی، اجتماعی و فرهنگی به بررسی هویت پرداخته‌اند. همچنین «آینده هویت شهری» موضوعی است که در مطالعات اخیر مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله السیاد^{۱۱۸} (۲۰۱۹) در مطالعه خود اشاره می‌کند در زمینه شکل‌گیری هویت شهری با توجه به ویژگی‌های شهرهای آینده، تأثیر رشد شهری بر شهرها منجر به از بین رفتن هویت شهری برخی شهرها به دلیل تغییرات محیطی - اقلیمی، عوامل اجتماعی و اقتصادی شده است. اکییلدز و اولگان^{۱۱۹} (۲۰۲۰) بر اهمیت حفظ ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی مناطق مسکونی برای حفظ هویت منحصربه‌فرد و ارزش‌های برندسازی تأکید می‌کند. علاوه بر این، مطالعه بای و جو^{۱۲۰} (۲۰۲۰) در مورد ساخت اجتماعی و هویت مکان‌های شهری، روی منطقه گانگنام^{۱۲۱} در سئول کره جنوبی، که نماد محله ثروتمندان و قدرتمندان است، انجام شده و جداسازی اجتماعی-اقتصادی و محافظه‌کاری سیاسی را در یک بازه زمانی کوتاه تأیید می‌کند. از این رو، آینده هویت شهری نامشخص است و با عوامل مختلفی مانند رشد شهری، تغییرات محیطی، عوامل اجتماعی و اقتصادی و پروژه‌های تحول شهری شکل خواهد گرفت. از آنجایی که شهرها همواره در پاسخ به نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در حال تغییر و تحول هستند، محیط شهری باید در منظری مبتنی بر زمان در نظر گرفته شود تا بتواند تغییرات در بافت محلی را شناسایی کند (اکتای، ۲۰۱۹). بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که هویت شهری در آینده بر اثر عوامل مختلف تغییر

118. Elsayed

119. Akyıldız, Olğun

120. Bae, Joo

121. Gangnam

خواهد کرد و برنامه ریزان و طراحان شهرها باید ویژگی‌های شهرهای آینده را برای حفظ هویت شهر شناسایی کنند.

از دست دادن ویژگی‌های شهری به یک واقعیت مسلم در مباحث دانشگاهی تبدیل شده است و بسیاری از کارشناسان قاطعانه بیان کرده‌اند که توسعه اقتصادی شهری نباید به قیمت کاهش ویژگی‌های شهری و از دست دادن هویت شهری گردد (هوانگ، ۲۰۱۹). باوجوداین، مروری بر ادبیات موضوع نشان‌دهنده کمبود و نقص جدی مطالعات درباره «آینده‌پژوهی هویت شهری» است؛ از این رو، با توجه به خلأ آشکاری که در زمینه مطالعات مربوط به آینده هویت شهر تهران مشاهده می‌شود، پژوهش حاضر دگرذیسی هویت شهر تهران را با رویکرد آینده‌پژوهی مبتنی بر تحلیل لایه‌های علی (CLA) مورد مطالعه قرار داده است و در آن علاوه بر ریشه‌یابی چهار سطحی مسئله؛ سناریوهای بدیل برای آینده هویت شهر تهران ارائه گردیده است.

چارچوب مفهومی

«هویت شهری» یک مفهوم رایج، اما پیچیده است که بسیاری از محققان تلاش کرده‌اند آن را روشن کنند. تعابیر متعددی به این اصطلاح نسبت داده شده است، از جمله پیوندهایی با «هویت مکان» (پروشانسکی و همکاران، ۱۹۷۸؛ ۱۹۸۳)، «حس مکان» (توان، ۱۹۸۰؛ باتایمر، ۱۹۸۰؛ رلف، ۱۹۷۶)، «تعلق به مکان» (استکلز، ۱۹۸۱) دارد (آناستاسیو و همکاران، ۲۰۲۱).

در دنیای در حال جهانی شدن، توجه به موضوع هویت شهری افزایش یافته است؛ آدامز (۲۰۱۱) از دیدگاه محیط ساخته شده به همگن‌سازی و بومی‌سازی اشاره می‌کند. می‌توان بین هویت خود مکان و هویت ذهنی تمایز قائل شد. به این ترتیب، هویت شهری را می‌توان (۱) به عنوان ویژگی شهر بر این اساس یک «انتساب جمعی» توصیف کرد. هر شهر هویت خود را بر اساس ویژگی‌های اصلی خود دارد و با یک «انتساب جمعی» ساخته می‌شود و (۲) لذا هویت شهر یا محیط ساخته شده، با معانی و مفاهیم خود بر هویت فرد نیز تأثیر می‌گذارد (نیتند، ۲۰۱۸؛ آناستاسیو و همکاران، ۲۰۲۱).

مکان نقش مهمی در ایجاد حس تعلق و ساخت هویت ایفا می‌کند. هویت مکانی از سنت‌های نظری مختلفی مورد تحقیق قرار گرفته است و می‌توان آن را در سطوح و مقیاس‌های مختلف درک

کرد. شکلی از هویت مکان که مختص محیط یک شهر است، هویت شهری است. هویت شهری بخشی از هویت خود فرد است و از تجربیات روزمره یک فرد در بافت شهر ناشی می‌شود. در اصل، هویت شهری با نقشی سروکار دارد که شهر و شهروندان آن، در شکل فیزیکی و نمادین، در زندگی روزمره بازی می‌کنند و اینکه چگونه این هویت بخشی از درک آن‌هاست و آن‌ها چه کسانی هستند (ون الدیک، ۲۰۱۹). هویت شهری خود را به طرق مختلف نشان می‌دهد. هم ذات پنداری آگاهانه با شهر یا شهروندان آن یکی از مستقیم‌ترین راه‌هایی است که از طریق آن می‌توان هویت شهری را شناخت. از سوی دیگر «هویت شهری نیز با متمایز ساختن شهر و یا شهروندان آن از سایر شهرها یا شهروندان به دست می‌آید». از آنجایی که تمایز بین خود و دیگران در ایجاد و مذاکره درباره هویت فرد به‌طور کلی نقش اساسی دارد، شهروندان می‌توانند هویت شهری خود را از طریق مقایسه با سایر شهرها یا شاید محیط‌های غیر شهری و همچنین در مقایسه با سایر شهرها درک کنند و درباره ویژگی‌ها و رفتارهایی که معمولاً با آن مرتبط است، مذاکره کنند. این مقایسه و تضاد همچنین ممکن است به سطح ارزیابی هویت شهری کمک کند، جایی که مفاهیم مثبت و منفی ممکن است نقش مهمی ایفا کنند (بلانچ و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، محیط شهری صرفاً فضای معماری نیست، بلکه مکان‌ها از طریق اعمالی که به آن‌ها اجازه داده‌شده یا به آن‌ها دستور داده می‌شود، دارای اهمیت می‌شوند. اهمیت حافظه، تجربه و زمان در این تحول ذهنی، بیانگر رابطه افراد با هویت مکان است. این سازمان‌دهی رفتار بسته به تغییر کیفی است که از رشد ادراک فرد حمایت می‌کند (چشمه زنگی و هیت، ۲۰۱۲). هویت شهری به شکل‌های مختلفی تعریف می‌شود که همگی مربوط به هویت شهری به‌عنوان مفهوم «تمایز» است (چشمه زنگی، ۲۰۱۵).

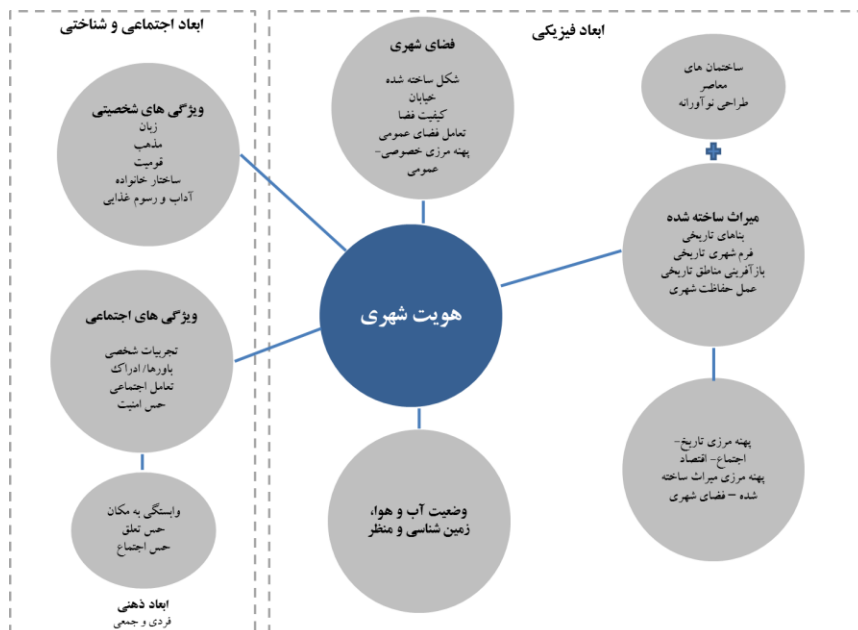
بر اساس مروری جامع بر ادبیات و یافته‌های پژوهش اوکتای و بلا^{۱۲۲} (۲۰۱۵: ۲۰۳-۲۰۲) که مبتنی بر نتایج مشاهدات خود در بیش از پنجاه شهر در بیست‌وهفت کشور انجام شده، می‌توان ادعا کرد که قوی‌ترین عناصر کمک‌کننده به هویت شهر عبارت‌اند از: «محیط طبیعی»، «محیط فرهنگی-اجتماعی»، «محل‌های قابل‌شناسایی»، «فضاهای عمومی» و در برخی موارد «نشانه‌ها». بنابراین، هویت شهری از ابعاد مختلف فیزیکی، اجتماعی و شناختی مورد بررسی قرار گرفته است که

نشان‌دهنده چندبعدی و پیچیده بودن این مفهوم است. همان‌طور که اشاره شد مرور منابع چندین عنصر را نشان می‌دهد که هویت شهری را شکل می‌دهند؛ فضای شهری، شامل محله‌ها/مناطق شهری، فرم ساخته‌شده، خیابان‌ها و دیگر فضاها، عمومی شهری (که می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با یکدیگر تعامل داشته باشند)، نقش مهمی در شکل‌گیری و دگرگونی هویت شهری دارند (باریس و همکاران ۲۰۰۹؛ اوکتای ۲۰۰۲؛ سیرامکایا ۲۰۱۹). تحقیقات اخیر نشان داده است که کیفیت فضا از عوامل تأثیرگذار مهم مرتبط با تعلق به مکان و رضایت از مکان است (لی و همکاران، ۲۰۲۰). فضای عمومی شهری بر تصویر شهر و جهت‌گیری افراد تأثیر می‌گذارد و از جمله عوامل اصلی عملکردی و بصری مؤثر بر کیفیت شهری است و فرصت‌هایی برای آرامش، تفریح، معاشرت، ورزش و... فراهم می‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های قابل‌توجه هویت شهری، میراث ساخته‌شده است، که آشکارترین انعکاس تحول در شهرها است (کایماز، ۲۰۱۳؛ بوسا، 2021). علاوه بر این، کایماز^{۱۲۳} استدلال می‌کند که هم ساختمان‌های تاریخی و هم ساختمان‌های معاصر برای افزودن به سطح هویت یک شهر، که توسط شهروندان و بازدیدکنندگان درک می‌شود، ساخته‌شده‌اند. همچنین هویت شهری تحت تأثیر شرایط آب و هوایی ویژگی‌های زمین‌شناسی و منظر است (آناستاسیو و همکاران، ۲۰۲۱).

از سوی دیگر جنبه‌های اجتماعی و شناختی هویت شهری به ویژگی‌های محیطی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و فضایی یک منطقه شهری مربوط می‌شود که فرد از طریق تجربیات اجتماعی، ارزیابی‌ها و باورهای شخصی درباره آن‌ها نظر می‌دهد (لالی، ۱۹۸۸). کایماز خاطر نشان می‌کند: «شهرها نه تنها ساختارهای فیزیکی هستند، بلکه ساختارهای اجتماعی را نیز در برمی‌گیرند» شهروندان اساسی شهرها هستند که آن را زنده و پابرجا نگه می‌دارند. بین ویژگی‌های فیزیکی شهر و شهروندان آن رابطه متقابل وجود دارد. او هویت مکانی را با «دل‌بستگی به مکان و احساس تعلق» مرتبط می‌داند و آن‌ها را عواملی حیاتی می‌داند: «به‌منظور ایجاد پیوند عاطفی و شناختی با مکان که منجر به احساس امنیت و احساس اجتماع می‌شود. هویت یک مکان بیش از ظاهر فیزیکی آن است، بلکه شامل یک «معنا» برای فرد و جامعه است» (کایماز ۲۰۱۳، ۷۴۰).

بدیهی است که هویت شهری به محیط اجتماعی از جمله ابعاد روان‌شناختی و فرهنگی (مانند زبان، مذهب، قومیت، ساختار خانواده، نوع محل سکونت، آداب و رسوم غذایی، الگوهای ارتباطی، حریم خصوصی و غیره) و همچنین افراد و مؤسساتی وابسته است که فرد با آن‌ها تعامل دارد (اوکتای و بلا، ۲۰۱۵). در این راستا، ساخت هویت از طریق درک «ارزش‌های اجتماعی-محیطی هر جامعه و نیز رابطه انسان و محیط» محقق می‌شود. هویت می‌تواند نه فقط از طریق ویژگی‌های فیزیکی خاص، بلکه از طریق مکانیسم‌های ذهنی مهندسی شده، حس مکان یا احساس تعلق ایجاد کند» (چشمه زنگی و هیت، ۲۰۱۲: ۲۶۳).

به‌طور خلاصه، هویت شهری فراتر از ویژگی‌های فیزیکی، فرهنگی و اجتماعی است، بلکه قضاوت‌ها، تجربیات و ادراکات شخصی را نیز در برمی‌گیرد. هویت فرآیندی پویا است که به مردم کمک می‌کند تا به محیط شهر وابسته شوند. برای اینکه بتوان از آن به‌عنوان یک دارایی استفاده کرد، باید بر اساس دیدگاه‌های مختلف ذینفعان مختلف در نظر گرفته و مدیریت شود. همچنین، همان‌طور که نینتید^{۱۲۴} (۲۰۱۸: ۱۵۵) ادعا می‌کند، نمی‌توان تنها یک تصویر پذیرفته شده از هویت یک شهر وجود داشته باشد. به‌طور جامع، ترکیب هویت شهر، تعامل پیچیده‌ای از ۳ جزء مختلف است: ۱. محیط فیزیکی یا ظاهر. ۲. کارکرد یا فعالیت قابل مشاهده. ۳. معنا و نمادها. لذا هویت شهری مجموعه‌ای از ویژگی‌های شهری متمایز است که شامل سنت‌های تاریخی، موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، فرم معماری، فرهنگ غذا، آداب و رسوم و غیره است. همه این‌ها می‌توانند یک هویت شهری منحصر به فرد را تشکیل دهند (آناستاسیو و همکاران، ۲۰۲۱).



شکل ۱: ابعاد فیزیکی و اجتماعی و شناختی هویت شهری

منبع: (آناستاسیو و همکاران، ۲۰۲۱)

روش تحقیق

تحلیل لایه علیّ (CLA)^{۱۲۵} روشی برای تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده اجتماعی با بررسی لایه‌های چندگانه علیت است. CLA برای کشف علل اساسی یک مشکل با بررسی چهار لایه استفاده می‌شود. لیتانی (مشکل سطحی)، لایه سیستمی (ساختارها و سیستم‌هایی که به مشکل کمک می‌کنند)، لایه جهان‌بینی (باورها و ارزش‌های اساسی) که لایه سیستمی را شکل می‌دهند و لایه اسطوره (روایت‌های عمیق فرهنگی که لایه جهان‌بینی را شکل می‌دهند). CLA اغلب برای شناسایی علل ریشه‌ای مشکلات اجتماعی و ایجاد راه‌حل‌های مؤثرتر استفاده می‌شود. می‌توان آن را در زمینه‌های مختلف، از جمله اولویت‌بندی سیاست‌ها، بررسی رویدادهای ایمنی فرآیند، ارزش‌های دیجیتال، و سناریوسازی آینده اعمال کرد (عنایت‌الله، 2011؛ مانتیماکی و همکاران، ۲۰۲۰؛ پاولوکی، ۲۰۲۱؛ فولادگر و همکاران، ۲۰۲۱؛ پرجولا، ۲۰۲۲).

این تحقیق از نوع تحقیقات کیفی است که به صورت اکتشافی و با رویکرد استقرایی به دنبال دستیابی به اهداف تحقیق است. از تحلیل لایه‌ای علی (CLA) که از روش‌های آینده‌پژوهی است که توسط سهیل عنایت‌الله (۱۹۹۸) معرفی شده، در تلفیق با سناریونویسی در این پژوهش استفاده شده است. برای دستیابی به اطلاعات مرتبط با لایه‌های چهارگانه تحلیل لایه‌ای علی شامل لایه مشهود مسئله، علل کلان اجتماعی، جهان‌بینی، گفتمان و استعاره و اسطوره‌هایی که از وضع موجود پشتیبانی می‌کنند؛ بررسی شده است. ضمن مطالعه ادبیات موضوع برای طراحی سؤالات اولیه مصاحبه، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند به متخصصین موضوع مراجعه و با آنان مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته انجام شد. پروتکل مصاحبه با استفاده از تکنیک پستل^{۱۲۶} دسته‌بندی شده و ادامه با استفاده از فن ۵ سؤال (WIH-۵)^{۱۲۷} به عنای مصاحبه‌ها افزوده شد. جامعه آماری این پژوهش ۱۴ نفر از خبرگان معماری، شهرسازی و جامعه‌شناس شهری با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. ملاک حجم نمونه مبتنی بر کفایت، تئوریک و اشباع نظری موضوع تعیین شده است. مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان بر محور تحلیل آینده هویت شهر تهران با ابزار تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. مصاحبه‌ها در ۱۱ نفر به اشباع رسید؛ اما به منظور اطمینان بیشتر تا ۱۴ نفر ادامه پیدا کرد. ۱۰ نفر از این خبرگان عضو هیئت‌علمی و مدرس دانشگاه، ۲ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۲ نفر دانشجوی دکتری بودند. به منظور سنجش اعتبار و پایایی پژوهش از طریق رعایت مواردی همچون اتکا به ادبیات موضوع و مقایسه یافته‌ها با آن‌ها، طراحی دستورالعمل‌های مصاحبه و برگزاری نحوه مصاحبه‌ها، به‌کارگیری فرآیند مدون برای ثبت و تحلیل داده‌ها، نمونه‌گیری نظری و ارائه یافته‌های پژوهش به ۲ نفر از خبرگان دانشگاهی مراجعه و اعتبار و پایایی روش مورد تأمل قرار گرفت. همچنین در تحلیل مصاحبه‌ها، از تحلیل تم و تحلیل لایه‌ای علی استفاده گردید. در این راستا با استفاده از تکنیک مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با متخصصین، به بررسی وضع موجود هویت شهر تهران در چهار لایه تحلیل لایه‌ای علی پرداخته شده و سپس با شروع از عمیق‌ترین لایه یعنی اسطوره/استعاره، به تبیین استعاره‌های بدیل برای هویت شهر از دیدگاه متخصصین پرداخته شده است.

126. PESTEL (Political, Economic, Social, Technological, Environmental, Legal)

127. (what, who, where, when, how and Why)

در قسمت دوم با حرکت از عمیق ترین لایه به گفتمان / جهان بینی هایی که از استعاره های بدیل حمایت می کنند، پرداخته شده و در مرحله بعد، بر مبنای گفتمان / جهان بینی بدیل به تبیین علل کلان اجتماعی آن پرداخته شده است. نهایتاً براساس پیشران ها، سناریوهایی در راستای تحلیل آینده هویت تهران بیان شده است.

یافته های پژوهش

در بررسی هویت شهر تهران، بر اساس روش تحلیل لایه ای علی این موضوع در چهار سطح لیتانی، علل اجتماعی، جهان بینی یا گفتمان و اسطوره و استعاره مورد تحلیل قرار گرفت و عواملی از این طریق که در چهار سطح بر مسئله هویت شهر تهران تأثیرگذار هستند، واکاوی شده و مورد بررسی قرار گرفت. برای استخراج ایده ها و نظرات در چهار سطح تحلیل با ۱۴ نفر از خبرگان شهری در زمینه هویت شهر تهران که صاحب نظر بودند، مصاحبه صورت گرفت. اطلاعات زمینه ای خبرگان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: اطلاعات خبرگان

ردیف	جنسیت	تحصیلات	شغل و وابستگی سازمانی	سابقه (سال)
۱	مرد	دکتری شهرسازی - برنامه ریزی شهری	عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین	۲۵
۲	مرد	دکتری شهرسازی - برنامه ریزی شهری	عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین	۲۳
۳	مرد	دکتری جامعه شناسی	عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی	۳۰
۴	مرد	دکتری شهرسازی - برنامه ریزی شهری	عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان	۲۰
۵	مرد	دکتری شهرسازی - برنامه ریزی منطقه ای	عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان	۲۵
۶	مرد	دکتری معماری	عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان	۲۷
۷	مرد	دکتری شهرسازی - برنامه ریزی شهری	مدرس دانشگاه گیلان	۸
۸	مرد	دکتری معماری	عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی	۲۹
۹	مرد	دکتری شهرسازی - برنامه ریزی شهری	عضو هیئت علمی علامه طباطبایی	۱۹

۸	پژوهشگر	دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی	زن	۱۰
۱۶	پژوهشگر معماری	کارشناسی ارشد معماری	زن	۱۱
۱۸	پژوهشگر معماری منظر	دانشجوی دکتری معماری منظر	مرد	۱۲
۵	مدرس دانشگاه	دکتری جامعه‌شناسی	زن	۱۳
۹	کارشناس مهندسی مشاور شهرسازی و معماری	کارشناسی ارشد معماری	مرد	۱۴

در مرحله بعد، داده‌های تحقیق با استفاده از تحلیل لایه‌ای علی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است؛ در هر لایه بنا بر همان لایه، تم‌های اصلی و فرعی با مرور چندباره نظرات خبرگان استخراج شدند.

۱-۵- تحلیل در لایه اول (لیتانی)^{۱۲۸}

در سطح لیتانی، ۴ مقوله از مصاحبه‌های صاحب‌نظران استخراج شده است که این مقوله‌ها نتیجه مطالعه چندین باره تم‌های اصلی و فرعی در مرحله تحلیل تماتیک هستند. در واقع این لایه ناظر بر عینی‌ترین و آشکارترین سطح تحلیل است و افراد بر پایه دانش تجربی خود، حس و ادراک شخصی به تحلیل مسائل و پدیده‌ها می‌پردازند و عمدتاً بر نشانه‌های مشکلات تأکید داشته و به ریشه‌های آن‌ها اشاره‌ای ندارد. به عبارت دیگر در سطح لیتانی، تحلیل‌های افراد مبتنی بر رویدادها بوده و به روند شکل‌گیری مسائل ارتباطی ندارد. در این سطح اساسی‌ترین پرسش آن است که عینی‌ترین وجوه باورها، آرزوها و عقاید مربوط به آینده کدامند؟ برای پاسخ به این پرسش، به تکرار شونده‌ترین تصاویر پرداخته می‌شود. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته پیرامون هویت شهر تهران و نتایج حاصل از آن در لایه اول و در ارتباط با مسائل مشهود هویت تهران آنچه مورد اجماع قرار گرفت، «بحران هویت شهر تهران» است که به مسئله اصلی این پژوهش تبدیل گردید. به عبارت دیگر هویت دچار فراموشی شده است و مورد بی‌توجهی متصدیان امور شهر قرار گرفته است و مصادیقش در آشفتگی و درهم‌ریختگی شهر قابل‌رؤیت است.

جدول ۲: تحلیل تصاویر در سطح لیتانی

راهکار	زیر مقوله	مقوله اصلی	مسئله مشهود	ردیف
--------	-----------	------------	-------------	------

<p>- برنامه‌ریزی مشارکت محور - ایجاد ضوابط معماری در نماها و المان‌های شهری</p>	<p>درهم‌ریختگی و شلوغی شهر (آشفته‌گی و اغتشاش در ساختارهای کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی)، بحران هویتی، مخدوش شدن منظر شهری، بی‌اصالت و تقلیدی، تکثر و تنوع جمعیتی، شهر فرصت‌ها و امکانات، رشد افسارگسیخته شهری</p>	<p>آشفته، توسری خورده و بی‌قواره^{۱۲۹}</p>	<p>پرتزل و بحران در هویت شهر تهران</p>	<p>۱</p>
<p>- حاکمیت عدالت فضایی در هویت‌سازی شهر - طراحی فضاهای شهری عدالت محور در همه مناطق شهری</p>	<p>تشدید شکاف طبقاتی، اخراج مهاجران با توان اقتصادی ضعیف به شهرهای اقماری پایتخت و شهر در تصرف افراد متمول بدون ریشه‌های فرهنگی منسجم (نوکیسه واری)، رشد افقی و عمودی شهر، هویت طبقاتی شمال و جنوب شهر، غلبه بورس‌بازی و سوداگری زمین بر مناسبات شهری</p>	<p>شهر تقابل‌ها، شهری ستیزه‌جو (هویت طبقاتی شهر)</p>		<p>۲</p>
<p>مردم از طریق مدیریت مبتنی بر دانش، عقلانیت و قانون، از حاشیه به متن هدایت شوند</p>	<p>همسان‌سازی شده، یکپارچگی فضاها، شبیه‌سازی شده، خویشاوندی با همه شهرها و الگو و معیار شهرسازی برای شهرهای کشور، زوال خاطره، تخریب بی‌رحمانه، (ضرب‌هنگ سریع زندگی شهری)</p>	<p>لباس عاریه بر تن</p>		<p>۳</p>
<p>- تقویت احساس تعلق در سطح محلات - بازآفرینی شهری</p>	<p>بی‌توجهی، بریدگی و دچار نفرت شدگی</p>	<p>معنابخسته و بی‌روح</p>		<p>۴</p>

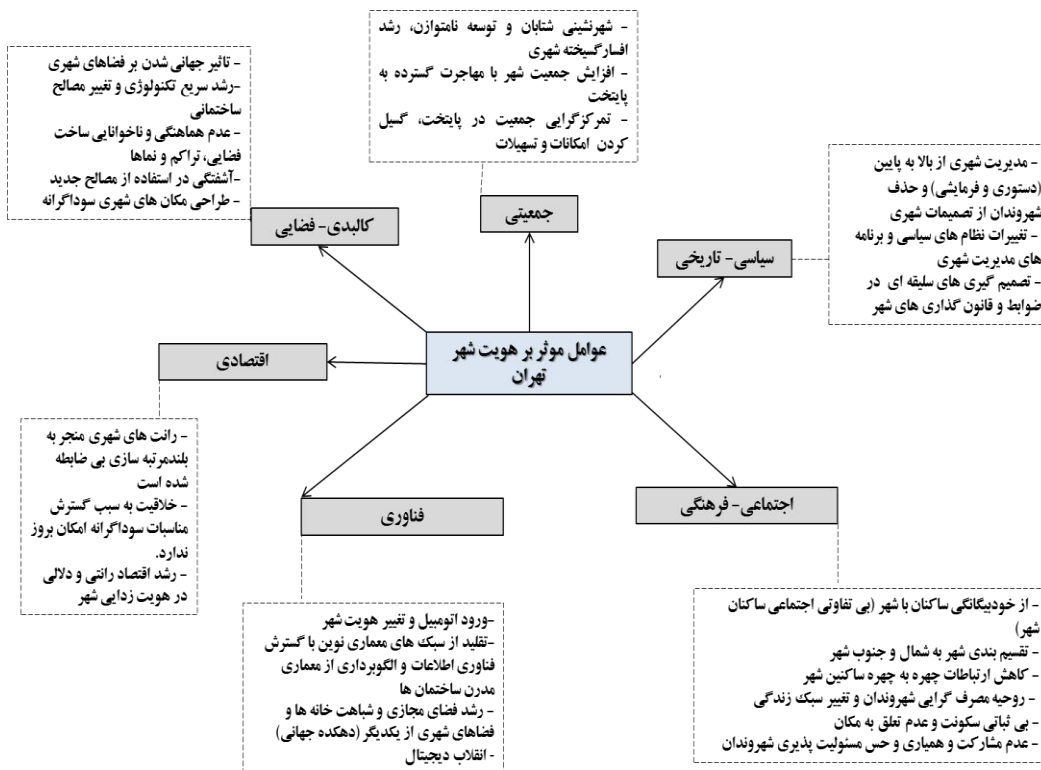
مقولات مشهود بحران هویت شهر تهران به چهار مقوله اصلی به شکل استعاره‌ای و تماتیک دسته‌بندی شده‌اند که هر یک قرابت معنایی با سایر لایه‌ها دارد. مقوله اول در سطح لیتانی «توسری خورده و بی‌قواره»، به عدم هویت منسجم و یکپارچه اشاره دارد که نمود آن در اغتشاش و آشفته‌گی فضاها و نماهای شهری قابل‌رؤیت است. مقوله دوم «شهر تقابل‌ها» با تأکید بر هویت طبقاتی شمال و جنوب شهر دارد که به صورت ملموس مدیریت شهری با سیاست جدایی‌گزینی فضایی به

۱۲۹. برگرفته از کتاب چشم‌های بزرگ علوی؛ استعاره‌ای از بناها و معماری جدید که آن را توسری خورده و بی‌قواره

تخصیص امکانات و تسهیلات نابرابر، هویت معنایی متفاوتی را در ذهن شهروندان ترسیم کرده است. در شمال شهر با رشد عمودی شهر، برج‌سازی‌ها هویت شهر مدرن را به نمایش درمی‌آورد و در جنوب شهر با تخریب ساختمان‌های قدیمی و یکسان‌سازی از طریق ساختمان‌های بی‌شکل و هویت مواجه می‌شویم. مقوله سوم «لباس عاریه بر تن» اشاره به یکسان‌سازی معماری ساختمان‌های یک‌شکل و بدون طرح‌های خلاقانه و مبتنی بر فرهنگ بومی شهر تهران روبرو هستیم و این یک‌شکل و مدرن شدن شهرها، فضاهای بی‌روح و فاقد معنایی را ایجاد می‌کند که در مقوله چهارم به «معناباختگی و بی‌روح بودن» فضای شهر تهران در اذهان شهروندان منجر می‌شود.

۲-۵- تحلیل در لایه دوم (علل سیستماتیک)

چالش‌های شهر امروزی، توسعه نامتوازن شهر و ایجاد دوقطبی‌های درون‌شهری و همچنین دوقطبی‌های بیرونی، تغییر اساسی خصوصیات شهر، تراکم‌های فوق‌العاده، تأسیسات عظیم زیربنایی، سرمایه‌گذاری‌های بسیار گسترده، خدمات متنوع و جدید در مقیاس‌های کلان اجتماعی از این قبیل هستند (پیربابایی، ۱۳۹۷). در لایه دوم به تحلیل علل اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، سیاسی و تاریخی بروز مسئله پرداخته و رویکرد آن روندگرا یا رویه‌ای است. در این مرحله داده‌ها مورد تفسیر کارشناسی قرار می‌گیرند. در این سطح، اغلب نقش حکومت، مردم و دیگر فعالان و اثرگذاران بر پدیده بررسی و تفسیر می‌گردد. در این راستا به منظور درک عوامل مؤثر بر هویت شهر تهران در لایه دوم، دامنه تأثیر و روابط عناصر تشکیل‌دهنده هویت شهر استخراج شده‌اند. در پاسخ به این سؤال که چگونه هویت شهر دستخوش تحول شده است و کدام علت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیک، قانونی، تاریخی و زیست‌محیطی مسبب تغییر شده‌اند؟ صاحب‌نظران، علت‌های تغییر مفهوم هویت شهر تهران به عنوان شهری دچار بحران هویت را بیان نموده‌اند. در شکل شماره ۲ عوامل سیستمی مؤثر بر هویت شهر تهران به عنوان شهری دچار بحران هویت نشان داده شده است.



شکل ۲: عوامل مؤثر بر هویت شهر تهران

منبع: نگارندگان

جدول ۳: تحلیل تصاویر در سطح علل سیستماتیک

راهکار	زیرمقاله	مقاله اصلی	ردیف
-سیاست گذاری هویت ساز در ساخت و سازهای شهری - حمایت از طرح های نوآورانه معماری شهری برای خلق فضاهای با هویت - تشویق مردم برای ساختن معماری ساختمان های اصیل و با هویت - تشویق مردم به بازسازی معماری داخلی ساختمان بجای کوبیدن و ساختن	دائماً در حال تغییر، تخریب و بازسازی محلات و بناها و طراحی فضاهای جدید مدرن، شهر بولدوهای ویرانگر، تغییرات سریع تکنولوژی و نو شدن، عدم تداوم و استمرار، کوتاه بودن عمر ساختمان ها و بناها، مصرف زدگی افسارگسیخته در شهر، تغییر نظام های سیاسی	(۱) محمدعلی همایون کاتوزیان (۲) محمدعلی همایون کاتوزیان (۳) محمدعلی همایون کاتوزیان	۱

۳۰. محمدعلی همایون کاتوزیان، در کتاب «ایران، جامعه کوتاه مدت»، به اجمال جامعه ایران را کوتاه مدت های بهم پیوسته اطلاق می کند و با نام گذاری جامعه کلنگی اشاره دارد به خیلی از چیزهایی که در کوتاه مدت ساخته شده، در چنین جامعه ای خراب می شود تا از نو ساخته شود. این بدان معناست که ما هر از چند گاهی عمارتی نو می سازیم اما با مرور زمان (معمولاً ۲۰ یا ۳۰ سال) این ساختمان نو به عنوان عمارتی کلنگی و کهنه، ویران و نابود می شود.

<p>- توزیع عدالت فضایی با تخصیص امکانات در مناطق مختلف شهر.</p> <p>- ایجاد قوانین اجرایی کارآمد در برنامه‌ها و ضوابط هویت‌سازی فضاهای شهری (شفاف‌سازی)</p> <p>- شکل‌گیری جامعه مدنی و اعطای حق به شهروندان</p> <p>- مدیریت شهری با رویکرد شهرسازی دموکراتیک</p>	<p>شکاف طبقاتی، جدایی‌گزینی فضایی یا طردشدگی فضایی، بی‌عدالتی محیطی، رشد اقتصاد سوداگرانه و رانتی در شهر، کالایی شدن شهر و خصلت بت‌وارگی فضاها، شهری با سلسله‌مراتب سرمایه و مستعمره‌سازی، بازنمایی فضایی، مدار ثانویه سرمایه‌داری (بورس زمین و املاک)، اختلاف شدید طبقاتی با تفکیک فضایی و اجتماعی شمال و جنوب شهر (هویت طبقاتی شهر)، پایداری نهادینه‌شده نابرابری، حس محرومیت نسبی</p>	<p>فضاها سرمایه فضا و روابط (نسب سرمایه)</p>	<p>۲</p>
<p>- ایجاد ضوابط قراردادی پایدار و سخت‌گیرانه در هویت‌سازی معماری ساختمان‌ها و فضاهای شهری توسط مدیران شهری</p> <p>- هم‌اندیشی مداوم معماران و شهرسازان و جامعه‌شناسان شهری برای ساخت شهری با هویت</p> <p>- استفاده از تجربه تاریخی سبک معماری التقاطی در فرایند هویت‌سازی تهران</p> <p>- بازگشت هویت معماری در ساخت‌وسازها (بازسازی دموکراتیک)</p>	<p>جهانی‌شدن و انقلاب دیجیتال، تغییرات بنیادافکن مدرنیته، گسست از ریشه‌های فرهنگی، هویت کالبدی تقلیدی از مدرنیته غربی، ناهماهنگی سرعت تغییرات توسعه کالبدی با توسعه اجتماعی شهر، تخریب خاطرات مردم در فرایند نوسازی (زوال خاطره) و عدم شکل‌گیری خاطرات تازه در شهر</p>	<p>گردونه‌های معماری (جاگرات ۱۳۱)</p>	<p>۳</p>
<p>- جنبش فضای مجازی برای احساس تعلق به فضاهای شهری</p> <p>- ایجاد فضاهای خاطره ساز فردی و جمعی (فضاهای تاریخ‌مند)</p> <p>- فرهنگ‌سازی با ایجاد احساس تعلق به فضای شهری در ذهن کودکان</p> <p>- حفظ و بازنده سازی فضاهای با خاطره جمعی (تقویت حافظه جمعی فضا)</p> <p>- ایجاد تصویر ذهنی مثبت و پویا از هویت شهر در بین مردم</p> <p>- برنامه‌ریزی شهری با رویکرد شهر برای مردم</p>	<p>کنشگر منفعل و بی‌تفاوت، بی‌تفاوتی اجتماعی به ساختن شهر، بیگانگی با شهر و کاهش احساس تعلق به شهر، خاکستری دیدن شهر، شهر از خودبیگانه، مکانیکی و بی‌روح، تماشاچیان و مصرف‌کنندگان منفعل، بحران ارتباط بین مردم در کلان‌شهر، انزوای ساکنان کلان‌شهر و کاهش روابط انسانی، افزایش غریبه‌های زندگی، احساس تنهایی و دل‌تنگی، از خودبیگانگی در جامعه توده‌وار شهری</p>	<p>بلاده شدن ۱۳۲</p>	<p>۴</p>

^{۱۲۱} گیدنز برای توضیح مدرنیته از کلمه هندی juggernaut به معنی «گردونه خردکننده» استفاده می‌کند؛ یعنی همان ماشین بی‌فرمانی که قدرت عظیمی دارد و ما انسان‌ها تا حدی می‌توانیم از آن سواری بگیریم، ولی هر آن ممکن است از نظارت ما خارج گردد و خودش را متلاشی کند.

در این لایه به این پرسش پاسخ داده می‌شود که تصاویر رایجی که در سطح لیتانی ساخته شده‌اند، چه علل سیستماتیک دارند؟ و چه کسانی باعث ایجاد این تصاویر شده‌اند؟ همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود در این سطح نیز چهار مقوله شناسایی شده‌اند. مقوله اول در سطح علل سیستماتیک «جامعه کوتاه‌مدت» است که در سطح لیتانی مقوله آشفته (توسری‌خورده و بی‌قواره) است. زیرمقوله‌های همچون: دائماً در حال تغییر، تخریب و بازسازی محلات و بناها و طراحی فضاهای جدید مدرن، تغییرات سریع تکنولوژی و نو شدن، مصرف‌زدگی افسارگسیخته، عدم تداوم و استمرار، کوتاه بودن عمر ساختمان‌ها، انقلاب مصرفی بناها و ساختمان‌های شهری، تغییر نظام‌های سیاسی را شامل می‌شود. تهران شهر نسیان‌زده و دارای حافظه کوتاه‌مدت است، شهری که بی‌مهابا گذشته‌اش را تخریب می‌کند تا شهر را از نو بسازد. از جمله علت‌های ساختاری عدم هویت منسجم و یکپارچه در شهر تغییر نظام‌های سیاسی و مدیریت شهری در سیاست‌گذاری هویت کالبدی و معنایی برای شهر است که دائماً رو به تحول و دگرگونی است؛ به عبارت دیگر هویت کلان‌شهر تهران با سیاست شتاب‌زده در حال مدرن شدن است. توسعه‌یافتگی شتاب‌زده همراه با شهرنشینی شتابان و نامتوازن، منجر به رشد افسارگسیخته شهری شده است که علت ساختاری آن را در سیاست‌های کلان‌تمرکزگرای امکانات و فرصت‌ها می‌توان جستجو کرد. امری که منجر به ظهور شهری با هویت متکثر و متنوع قومی شده است. از سوی دیگر کلان‌شهر تهران همیشه روبه‌جلو و در امر نوگرایی پیشتاز بوده است، روندهای تاریخی نوسازی شهری در تهران بر این مهم تأکید دارد. اما این روند نوگرایی با تغییرات سریع رویدادها و تخریب بناها، سرعت تجربه انسان را در نظر نمی‌گیرند. لذا هویت تهران با تغییرات شتاب‌زده دچار آشفته‌گی در همه ابعاد اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی و... شده است. به عبارت دیگر شهر برای ساکنانش احساس تعلق ایجاد نمی‌کند؛ از جمله علت‌های کلان آن، در برنامه‌ریزی بالا به پایین در سیاست‌های شهری قابل‌شناسایی است. یکی دیگر از زیرمقولات مورد تأکید «مصرف‌زدگی» است که علت آن در تغییرات سبک زندگی و رشد فرهنگ مصرفی در نظام غالب نئولیبرالیسم دارد که یکی از مصداق‌هایش در سطح شهر، تغییر سبک خانه‌ها، بناها و فضاهای شهری است؛ که نشان از ذائقه مصرف‌زده شهروندان دارد، شهروندانی که دائماً به دنبال مصرف کالاهای نو و جدید هستند. بنابراین شهر مدرن بستر ساز رشد فرهنگ مصرفی است. در حالت کلی هویت شهر تهران با فرهنگ

مصرفی افراد و نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سازمان‌ها، رویه‌ها و فرایندهای زندگی مدرن به شکل جدایی‌ناپذیری پیوند خورده است.

مقوله دوم «فضاهای سودازده» اشاره به هویت پایدار طبقاتی در شهر تهران دارد که در سطح لیتانی، به شهر تقابل‌ها و ستیزه‌جو منجر می‌شود. تهران شهری دوقطبی با توسعه‌یافتگی نابرابر فضایی است. از جمله عوامل شکل‌گیری این هویت می‌توان به درسیاست‌های مدیریت شهری اشاره کرد که منجر به طبقاتی شدن فضاها و شبه توسعه‌یافتگی نامتوازن در مناطق مختلف شهر شده است. از سوی دیگر سرمایه‌های فرایندهای طرد و حذف را در درون خود زنده نگه می‌دارد و این منجر به سلسله‌مراتبی شدن شهر در اذهان افراد می‌شود. در واقع هویت طبقاتی شهر، از سویی برج‌های سر به فلک کشیده و ماشین‌های لوکس و از سوی دیگر محلات فقیر و کثیف و به‌هم‌ریخته، کودکان خیابانی، زباله‌گردها در ذهن ترسیم می‌گردد. با توجه به برنامه‌ریزی‌های مدیران شهری برای تحقق عدالت محیطی در شهر و توسعه زیرساخت‌های عمرانی و ارتقای فضای شهری ذهنیت سلسله‌مراتبی شهر به قوت خود باقی است. به عبارت دیگر «شهر در حال بازتولید کردن خود است و این سازوکار نظام سرمایه‌داری شهر است. به نظر لوفور رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی با هم یکی نبوده و رشد اقتصادی لزوماً زندگی باکیفیت‌تری را ایجاد نمی‌کند» (ساندرز، ۱۳۹۲: ۲۶۹-۲۶۷). بنابراین «سرمایه‌داری مصرفی به‌طور بی‌وقفه ظرفیت ما را برای ورود به جامعه مصرفی فراهم کرده و رابطه مصرف و فضای شهری و زندگی شهری نیز مبتنی بر دسترسی همگانی تعریف می‌شود. چنین دیدگاهی این پرسش را پیش می‌کشد که آیا فرهنگ مصرفی شهری معاصر فرصت ایجاد شهرهای دربرگیرنده‌تر و عادلانه‌تر را مهیا کرده است» (جین، ۱۳۹۶: ۱۷) از این‌رو پژوهشگران الگوی فضایی مصرف و چگونگی بر ساخت روابط اجتماعی مصرف در بافت‌های فضایی / مکانی شهر و هویت‌ها و سبک‌های زندگی مرتبط با آن را ثبت کردند (همان، ۲۴)

مقوله سوم «گردونه بی‌مهاری یا خردکننده» است که به تهران لباس عاریه بر تن (در گردباد کلان‌شهر جهانی) در سطح لیتانی منجر می‌شود. آغاز نوگرایی و مدرن شدن تهران از اواخر دوره قاجار تا به امروز شاهد تحولات بنیاد افکن در شکل و معنای شهر شده است. از جمله علل تاریخی مدرن شدن

شهر تهران، سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ، انقلاب مشروطه و نوسازی از بالا در دوره رضاشاه است که تجربه مدرن شدن در زمینه خود را آغاز کرده بودند، اما در دوره زمانی معاصر با توسعه شتابان و رشد جمعیت، تمرکزگرایی امکانات و فرصت‌ها و تبدیل شدن به یکی از کلان‌شهرهای بزرگ و سلطه اقتصاد پولی و رانتی در تهران، تبدیل به شهری دائماً در حال ساختن و بازسازی شده است. در حقیقت این تجربه ساختن، تخریب و بازسازی مجدد هیچ‌گاه سر ایستادن ندارد و حاصل آن جز اغتشاش و تزلزل هویت شهر نیست. به بیان دیگر، در کشورهای جهان سوم شهر مدرن به شکل نامتوازن و صوری رشد کرده و منجر به ایجاد شرایط آنومیک در معنای ذهنی و عینی می‌شود. سرعت تغییرات در فرم و فضا منجر به گسست از ریشه‌های فرهنگی می‌شود. به عبارت دیگر تهران به شهری تقلیدی، بدون هویت ریشه‌دار و شهری بدون خاطره تبدیل شده است.

مقوله چهارم «بلازه شدن» است که در سطح لیتانی منجر به معنا باختگی می‌شود؛ زمیل^{۱۳۳} از اصطلاح بلازه شدن که از پیامدهای زندگی در کلان‌شهرهاست استفاده می‌کند (اباذری، ۱۳۷۲)؛ بلازه شدن در واقع نوعی از بی‌تفاوتی روانی است که برای تطبیق انسان با زندگی شهری و تحریکات موجود در آن لازم است. «برتری روزافزون فناوری در زندگی روزمره، اثر مبادلات ارزی- پولی، تکه‌تکه شدن روابط، رکود سنت، از بین رفتن کیفیت و فردیت، از خودبیگانگی مردم و محیط اطراف آن‌ها و... را می‌توان اثرات اجتماعی اساسی زندگی مدرن کلان‌شهر دانست» (ریتزر، ۲۰۰۷: ۳۱۲). شهرهای مدرن، مکان‌هایی هستند که در آن‌ها این بی‌قراری، تنش و هیجان، به‌طور قابل توجهی احساس می‌شوند. البته شهرها، به‌عنوان محل اقتصاد پولی، تقسیم‌کار و تخصص‌گرایی، نوع جدیدی از شخصیت فردی یا روان‌شناختی با محتوای عاطفی و ظرفیت‌های فکری متفاوت را به وجود آورده است. این محتاط بودن باعث می‌شود مردم کلان‌شهر در چشم مردم شهرهای کوچک سرد، بی‌عاطفه (بدون روح) و یا غیردوستانه به نظر برسند. یکی از دلایل اصلی این امر، بی‌تفاوتی است. مردم کلان‌شهر نگرشی مبهم را توسعه داده‌اند و همیشه نسبت به هر چیزی در اطراف خود بی‌تفاوت هستند (زمیل، ۲۰۱۱: ۲۵۸). در زندگی شهری مدرن، مردم تنها در صورتی می‌توانند از وجود خود محافظت کنند که محیط اجتماعی و فیزیکی خود را بی‌اهمیت جلوه دهند. در واقع، افراد در شهر از درهم‌تنیدگی با

محیط فیزیکی و اجتماعی خود فاصله گرفته و در نتیجه نگرشی بی تفاوت نسبت به همه چیز اتخاذ می‌کنند. در واقع مردم کلان‌شهر بیشتر تمایل دارند که هر روز به وقایع اطراف، گیاهان، حیوانات و انسان‌ها نگاه‌های بی‌دقتی بیندازند (یالدیر، ۲۰۱۴: ۲۰۸). در واقع وجود حمله دائمی ذهن انسان توسط محرک‌های درونی و بیرونی، علت این «نگرش دل‌زده» را به ما می‌دهد. چنین نگرشی به ناچار منجر به شکل‌گیری یک جامعه بی تفاوت می‌شود (ریترز، ۲۰۱۰: ۱۷۳). چنین مشکلاتی که توسط زندگی مدرن، کلان‌شهری و اقتصاد پولی ایجاد شده‌اند، منشأ یک مشکل بزرگ‌تر بوده‌اند؛ زیرا این مشکل را «تراژدی فرهنگ» می‌نامد. به عبارت دیگر، شهرهای مدرن مکان‌هایی از بیگانگی فرهنگ عینی از فرهنگ ذهنی هستند. برخلاف رشد فرهنگ عینی، فرهنگ ذهنی فردی به تدریج ناتوان می‌شود. بر خلاف مارکس، زیرا این مشکلات را موقتی نمی‌داند، بلکه آن‌ها را در همه زمان‌ها، ذاتی زندگی انسان می‌داند (یالدیر، ۲۰۱۴: ۲۱۰).

۳-۵- تحلیل در لایه سوم (جهان‌بینی، گفتمان، ایدئولوژی)

در این لایه به طرح این پرسش می‌پردازیم که کدام جهان‌بینی، کدام گفتمان و کدام ایدئولوژی غالب در جامعه کنونی جاری و ساری‌اند، که باعث می‌شوند چنان مسائل سیستماتیک سر برآورند و در جهت آن‌ها به آن‌چنان تصاویر غالبی در سطح لیتانی برسیم. بر این اساس گفتمان‌ها، جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های غالب اثرگذار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جستجوی ساختارهای سیستماتیک پیدایش بحران هویت برای شهر تهران در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: تحلیل تصاویر در سطح جهان‌بینی، گفتمان و ایدئولوژی

ردیف	مقوله	زیرمقوله
۱	مدرنیسم توسعه‌نیافتگی ^{۱۳۴}	نوسازی آمرانه، برنامه‌ریزی بالا به پایین، ساختار بوروکراتیک، توسعه کالبدی شهر، غلبه طرح‌های جامع و تفصیلی در برنامه‌ریزی برای شهر، مدرنیزاسیون از بالا، توسعه‌یافتگی برون‌زا، مدرنیته و تجددخواهی، رشد خیره‌کننده نو و تقلیدی، دل‌بستگی به نو شدن

۱۳۴. برگرفته از کتاب تجربه مدرنیته که اشاره‌ای است به مدرنیسمی که از دل عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی سر برمی‌آورد و مبتنی بر خیالات

<p>عقلانیت ابزاری و شهرسازی سوداگرانه، جهانی سازی از دریچه اقتصاد، سلطه اقتصاد بولی، گفتمان تفاوت در توسعه یافتگی مناطق شهری، ایجاد فضاهای خصوصی سازی شده جهت مصرف انبوه، ساخت ابر پروژه ها، ایجاد مجتمع های دروازه وار، فضاهای محصور و سایر فضاهای باز تولید اجتماعی، تشدید تضاد اجتماعی - مکانی، رویکرد خصوصی سازی در خدمات عمومی، تلاش برای انباشت سرمایه در نقاط خاصی از شهر، گسترش سوداگری زمین و تضعیف اقتصاد بویا، خلاق و محلی</p>	<p>۲ نئولیبرالیسم شهری و سرمایه داری راتنی</p>
<p>ظهور جامعه شبکه ای، انقلاب دیجیتال و سیاست جهانی واحد، عقلانیت ابزاری، ارزش - های جهان وطنی، هم شکلی، یکپارچگی و همگنی، ارتباط با هر جا، نابودی فاصله ها، فشردگی زمان و در هم تنیدگی مکان، نزدیکی یکدست و متحدالشکل، کلان شهرهای جهانی و مونتاژ شده، هویت سیال و پیچیده و چندگانه</p>	<p>۳ توسعه جهانی شهر</p>
<p>هویت مدرن و پست مدرن، تغییر سبک زندگی و الگوهای تعاملی شهروندان، مصرف گرایی افسارگسیخته، فرهنگ شهری مدرن، جهانی بی روح و ماشینی، لذت مصرف، عقلانیت ابزاری، جامعه توده ای</p>	<p>۴ فردگرایی</p>

اولین مقوله در این لایه «مدرنیسم توسعه نیافتگی» است. این مقوله در سطح علل سیستماتیک باعث پیدایش جامعه کوتاه مدت و در سطح لیتانی منجر به بروز آشفتگی، اغتشاش و استعاره های رایجی مثل توسری خورده و بی قواره برای تهران می شود. توسعه و مدرنیزاسیون در کلان شهرها به سبب غلبه فرهنگ عینی بر فرهنگ ذهنی، به مقوله ای تکنیکی تبدیل شده است. زمانی می توانیم در خصوص مدرنیسم مبتنی بر توسعه یافتگی سخن بگوییم که در آن مدرنیته تحقق یافته باشد، بدین معنا که مدرنیزاسیون به همراه مدرنیته به معنای فرهنگ ذهنی آن شکل گیرد تا جامعه بتواند به معنای واقعی مدرن گردد. چراکه همراه با تحقق مدرنیزاسیون به معنای شکلی آن شاهد رشد و توسعه شهرنشینی و مهاجرت گسترده و تغییر فضا و کالبد شهر هستیم، اما هم زمان شاهد کم رنگ بودن توسعه به معنای ذهنی آن نیز هستیم. «در همین راستا از نظر مارشال برمن توسعه، خاصه زمانی که دستور حرکت از بالا صادر شود به روندی خردکننده بدل می شود» (میرسپاسی، ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۲).

دومین مقوله در این لایه نئولیبرالیسم و سرمایه داری راتنی است. این مقوله در لایه علل سیستماتیک منجر به فضاهای سودازده و در سطح لیتانی باعث تکرار مفهوم شهر تقابلی و ستیزه جو و استعاره پایین شهری و بالاشهری می شود. نئولیبرالیسم شهری به کاربرد سیاستها و اصول اقتصادی نئولیبرالی در مدیریت و توسعه شهری اشاره دارد و شامل خصوصی سازی خدمات عمومی، مقررات

زدایی از بازارها، و ترویج سرمایه‌داری بازار آزاد در مناطق شهری است (برنر و تودور، ۲۰۰۲). این اصطلاح اغلب برای توصیف تبدیل شهرها به مکان‌های رقابت اقتصادی جهانی استفاده می‌شود، جایی که توسعه شهری به‌جای نیازهای جوامع محلی، توسط منافع شرکت‌های خصوصی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی هدایت می‌شود. نئولیبرالیسم شهری به دلیل تشدید نابرابری اجتماعی، جایجایی ساکنان کم‌درآمد و تضعیف فرآیندهای تصمیم‌گیری دموکراتیک موردانتقاد قرار گرفته است (هاروی، ۱۹۸۹؛ پک، ۲۰۱۲). «از دهه ۱۹۷۰ میلادی کلان‌شهرهای ایران در اثر گسترش درآمدهای نفتی همواره تحت تسلط روابط انباشت و گردش سرمایه و نئولیبرالیسم بوده است؛ به طوری که درآمدهای نفتی بعد از سال ۱۹۷۳ موجب مدرنیزاسیون و ساخت‌وسازهای جدیدی شد» (مدنی پور، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۹۸). بخش نفت همواره در اقتصاد ایران بیشترین و مستقیم‌ترین تأثیرپذیری را از نوسانات و تحولات بین‌المللی خارج از کنترل مسئولان داخلی کشور داشته است و عملاً کانالی برای انتقال همه تلاطم‌ها و نوسانات جهانی به اقتصاد ایران بوده است (لیلاز، ۱۳۹۸: ۴۵۱). فضا تحت تأثیر شدید نظام سرمایه‌داری است؛ بنابراین فضا، شکل روابط سرمایه‌داری (فردگرایی، کالایی شدن و غیره) را بر کل زندگی روزمره، تحمیل می‌کند. معماری شهرهای ما نمادی از روابط سرمایه‌داری است (عمودی‌سازی در معماری نماد قدرت است). فضاهای فراغتی ما بازتاب روابط سرمایه‌داری‌اند (زیرا فضاها زندگی غیر کاری ما را همانند زندگی کاری تجاری می‌کنند) (شارع پور، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۸۲). در واقع آنچه در تهران به‌عنوان ویژگی اصلی اجتماعی-اقتصادی در ساختار فضایی شهر محسوب می‌شود تفکیک آشکار شمال-جنوب شهر است. هویت تهران در راستای اقتصاد سیاسی فضا، در حال تغییر و دگردیسی شتابان و بی‌مهار است. «رشد سریع شهرها در سرتاسر جهان، هم از لحاظ اندازه و وسعت و هم از لحاظ جمعیت ساکن در آن‌ها که اغلب با عنوان انفجار شهری یاد می‌شود، به بازآفرینی فیزیکی وسیع شهرها منجر شده و مناسبات اجتماعی و فرهنگی نوینی رقم‌زده است. فضاها و مکان‌های جدید، از جمله مراکز تازه تأسیسی مثل ساختمان‌های بلندمرتبه و تجملی، آسمان‌خراش‌ها، مراکز تفریحی، گردشگری و... همگی از رونق شهری حکایت می‌کنند. در مقابل، شهرها و فضاها و مکان‌های آن نوعی قطبی شدن اجتماعی و فضایی فزاینده بین برخوردارها، یعنی کسانی که فضاها را جدید و مدرن

را اشغال کرده‌اند و محرومان که اغلب در مناطق فقیرنشین زندگی می‌کنند و تبعیض‌های مبتنی بر طبقه و قومیت شکل گرفته است را به نمایش می‌گذارند» (جین، ۱۳۹۶: ۱۲-۱۱)

سومین مقوله در این لایه «گفتمان توسعه جهانی شهر» است این مقوله در لایه علل سیستماتیک منجر به «گردونه بی‌مهاری» و در سطح لیتانی منتهی به «لباس عاریه بر تن» می‌شود. جهانی‌شدن از عوامل مهم و تأثیرگذار در فرایند توسعه شهری جهان در چند دهه اخیر بوده است. رابطه شهرها و جهانی‌شدن متقابل است و هر دو در تحول یکدیگر مؤثر بوده‌اند. از نظر اجتماعی نیز شهرها در دوره گذار به جهانی‌شدن با افزایش فاصله طبقاتی ناشی از توزیع نابرابر درآمد و ثروت، افزایش فقر شهری، گسترش روزافزون جمعیت شهری و جابجایی جهانی جمعیت و نیروی کار به شکل مهاجرت-های وسیع و تنوع فرهنگی، مواجه شده‌اند. در بعد فرهنگی نیز جهانی‌شدن موجب ترویج فرهنگ مصرفی در شهرها شده است (پوراحمد و موسوی، ۱۳۹۶: ۵۲-۵۱)

سردرگمی حفظ هویت شهری در عصر جهانی‌شدن یک وظیفه چالش‌برانگیز برای شهرها است؛ امروزه پدیده جهانی‌شدن در رابطه‌ای تنگاتنگ با همه سطوح و لایه‌های شهری است. شهرها بر اساس منطق سرمایه و عقلانیت ابزاری در جهان مدرن به شکلی یکپارچه و همگون در حال توسعه هستند. جهانی‌شدن و یکسان‌سازی همه سطوح زندگی از سطح کلان تا خرد، منجر به شکل‌گیری هویت‌های ناپایدار و چندگانه شده است؛ تهران نیز در این مسیر از آسیب‌ها در امان نمانده است. به عبارت دیگر شهرها در گذار از سنت به مدرنیته بحران‌های متعددی را تجربه کرده‌اند، از جمله بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی، هویتی و...؛ لذا آشفتگی و یکسان‌سازی شهرها، آن‌ها را از اصالت تهی کرده و به نوعی دچار اختلال در هویت نموده است.

چهارمین مقوله «فردگرایی» است. این مقوله در لایه علل سیستماتیک به بلازه شدن و در سطح لیتانی منجر به معنا باختگی و بی‌روح شدن شهر می‌شود. «شهری شدن جامعه ایران هم‌زمان و همراه با تأثیرپذیری از فرایندهای عمومی دیگر مانند رسانه‌های شدن، تجاری شدن، مصرفی شدن، فراغت‌ی شدن، فردگرا شدن و فرایندهای فرهنگی دیگر بوده است» (مایلز و مایلز، ۱۳۹۵: ۱۲). فردگرایی به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جوامع مدرن است که در مقابل جمع‌گرایی در جوامع سنتی قرار می‌گیرد و شهر تهران، به عنوان پایتخت ایران و یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای دنیا، بستر مناسبی جهت

شکل‌گیری رفتارهای فردگرایانه است. «در جوامع فردگرا «من» هدایت‌کننده رفتار افراد است. این در حالی است که اساس هر نظم اجتماعی را عاطفه و تعهد به اهداف جمع تشکیل می‌دهد و این امر ریشه در وابستگی و ارتباط عاطفی با جمع دارد، اما پدیده‌ای مانند فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی بیانگر بی‌احساسی، بدبینی و بی‌میلی است» (خواججه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴). بنابراین «مسئله بودن فردگرایی در جامعه از آنجا ناشی می‌شود که فردگرایی عامل انزوا، خودشیفتگی و خودخواهی، و اساساً محل نظم و توسعه اجتماعی است» (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۹). از سوی دیگر فردگرایی با مصرف هم پیوندی دارد و این رواج روحیه مصرف‌گرایی در شهر منجر به شکل‌گیری هویت‌های توده‌ای در تهران شده است. «شهر معاصر در مصرف خلاصه می‌شود و رویه‌های کنونی و اهداف تصویرپردازان شهری، مقامات محلی و تولیدکنندگان بخش خصوصی پیام روشنی را منتشر می‌کنند؛ مبنی بر اینکه مصرف است که آینده شهرهای ما را شکل می‌دهد (جین، ۱۳۹۶: ۱۳). در صورت‌بندی اجتماعی سرمایه‌داری، اکثریت مردم به‌طور فزاینده‌ای به فرهنگ مصرف‌گرایی وابسته می‌شوند و حتی هنگامی که نتوانند تمام چیزها و تجارب مفرح را بخرند، بازهم میل به خریدار و مصرف‌کننده بودن را ادامه می‌دهند و این در حالی است که «الگوی مصرف» در مرکز ساختار هویت هستند (باکاک، ۱۳۹۸: ۱۱۷-۱۱۳). به‌واسطه مصرف است که فعالیت‌های مردم و زندگی روزمره و سازمان فیزیکی شهر و همین‌طور رویه‌ها و فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به هم تنیده می‌شوند» (جین، ۱۳۹۶: ۲۵-۲۵).

۴-۵- سطح چهارم؛ تحلیل در لایه استعاره و اسطوره

این سطح به‌عنوان عمیق‌ترین لایه تحلیل‌ها، مشتمل بر داستان‌ها، اسطوره‌ها و استعاره‌های فرهنگی، کهن‌الگوها، روایت‌ها و ابعاد ناخودآگاه و انگیزشی در مسئله بحران هویت شهر تهران است. هدف از این تحلیل، شکستن باورها و پنداشت‌های رایجی است که می‌تواند به خلق ایده‌هایی نو منتهی شود. در این سطح یک تجربه احساسی - انگیزشی درباره نگرش و جهان‌بینی که علت ایجاد بحران هویت در شهر تهران است به نمایش گذاشته می‌شود. در خروجی این مرحله، پس از شناخت روایت‌ها، استعاره‌ها، کهن‌الگوها و... نیاز به ساختار شکنی وجود دارد تا بتوانیم در مقابل

آشناپنداری‌های (دژاووها)^{۱۳۵} رایج در باب هویت شهر تهران، مسیر نو و جریانی متفاوت را مطرح کنیم. به عبارت دیگر گامی فراتر از کوشش‌های عقلانی - منطقی برداشته تا مقولاتی که عموماً با نگاه آشناپندار در باب هویت شهر تهران بیان می‌شود، تغییر یابد. این اقدام می‌تواند منجر به تحریک عنصر ناخودآگاه ذهن شهروندان در باب هویت شهر تهران شده و مسیری برای آینده مطلوب هویت این شهر را تعریف کند. از جمله عبارات پرتکرار درباره هویت شهر تهران، «حسرت نسبت به گذشته (نوستالژی) و تغییر خاطرات و یادمان‌هاست» که می‌توانیم این ساختار را شکسته و این عبارت را جایگزین کنیم: «تهران شهری که باید تغییر کند و در این فرایند دگرگونی توسعه یابد»؛ یا عبارت «تهران شهری بی‌خاطره و تنها مانده و فراموش شده» که تأکید بسیار بر آن شده است و در عبارت جایگزین آن می‌توان چنین اشاره کرد: «تهران، شهر خاطره ساز و به‌یادماندنی» یا «تهران، محل خاطرات همه ایرانیان (هویت متکثر قومی)»؛ همچنین در مقابل دژاووی «تنهاماندگی و فراموش‌شدگی» می‌توان گفت: تهران، «شهری با هزاران دوست و همراه». همچنین در مقابل اغلب مفاهیم تکرارشونده در باب بحران هویت شهر تهران، می‌توان این‌طور بیان کرد که: «تهران شهر و قرارگاهی است که در آینده تمام خاطرات و هویت‌مان را در آن بازیابی خواهیم کرد». در ادامه به تحلیل لایه چهارم در سطح استعاره و اسطوره در جدول ۵ پرداخته شده است.

جدول ۵: تحلیل تصاویر در سطح استعاره و اسطوره

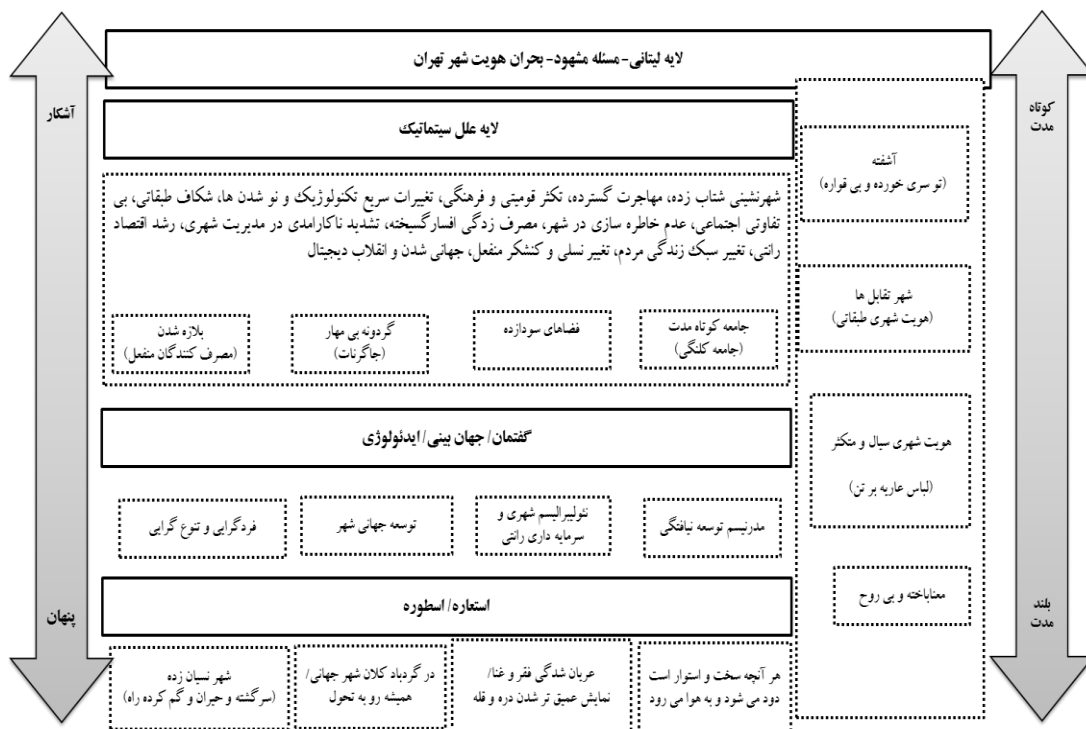
ردیف	مقوله	زیرمقوله
۱	هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود ^{۱۳۶}	مستعمره شدن شهر، هیولای سیمانی شیفته تغییر و تخریب، شهر در تصرف نظام بوروکراتیک، افتان‌وخیزان با توجه به تکرر اقوام و تنوع الگوهای زیست ایرانیان در شهر
۲	عریان‌شدگی فقر و غنا (شهر بسان نمایشگاه سرمایه‌داری)	تقابل شهر جدید با شهر قدیم، استعاره بالای شهر و پایین شهر، حاکمیت ارزش مبادله
۳	در گردباد کلان‌شهر جهانی (همیشه رو به تحول)	سبک‌های معماری متنوع، کلاژ شهری، تکه‌تکه شده، شهری هزارچهره و دائماً در حال تغییر، یک کارگاه ساختمانی توقف‌ناپذیر
۴	شهر نسیان زده	شهر دچار آلزایمر شده، شهر حافظه کوتاه‌مدت، زوال خاطره، شهر‌گذار

مقوله اول در این لایه «هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود» نام‌گذاری شده که استعاره‌ای است از سیاست‌های نوسازی در تهران که مدام در حال تخریب و نوسازی است و زمینه لازم برای شکل‌گیری هویت را فراهم نمی‌کند.

مقوله دوم در این لایه «عریان شدگی فقر و غنا» نام‌گرفته که استعاره‌ای است از بازنمایی شهر در تقابل‌هایی که درون آن شکل‌گرفته و منجر به هویت طبقاتی بالای شهر و پایین‌شهر شده است. غلبه سیاست‌های نئولیبرالیسم شهری منجر به استثمار شده و تهران در تصرف سرمایه و رانت، ساختار خاص خود را می‌گیرد. آسیب‌های ناشی از دوقطبی فقر و غنا، چنان نارضایتی و تقابل اجتماعی را در بین شهروندان ایجاد کرده است که حتی تصور هم‌فکری یا مشارکت و هم‌ذات‌پنداری بین افراد را از میان برده و زمینه پیدایش هویت جمعی را می‌زداید؛ هویت اکیداً نیازمند رهایی جامعه از دوقطبی‌ها، تقابل‌ها و آزادی از توده‌واری است.

مقوله سوم در این لایه؛ «در گردباد کلان‌شهر جهانی» نام‌گذاری شده است که استعاره‌ای است از شهری بی‌سامان و بدون قطب نمای مشخص که هویتی مدرن و متکثر در آن در حال تولید و بازتولید است و در پی آن تهران به هویتی پاره‌پاره تبدیل شده است. قرار گرفتن در گردباد کلان‌شهر جهانی، در ارتباط با کلان‌شهرهای واقع در جهان سوم، مثل تهران، مقوله‌ای به مراتب بحران‌زاتر بوده و آثار سوء فراوانی دارد؛ بدین‌جهت که کلان‌شهرهای توسعه‌نیافته بیش از آنکه بتوانند در فرایند یکپارچه‌سازی جهانی، بر دیگر شهرها و عرصه‌های اثرگذار باشند، از آن‌ها تأثیر پذیرفته و این رویه ماهیت هویت‌زدا دارد.

مقوله چهارم در این لایه «شهر نسیان زده» است که استعاره‌ای است از اینکه ساکنان شهر فراموش کرده‌اند و همچنین شهر به سبب سرعت تغییرات کالبدی دچار حافظه کوتاه‌مدت شده است. «تهران شهر نسیان زده» یعنی شهری دچار فراموشی و دستخوش نادیده‌انگاری مردم؛ گویی دیگر کسی دغدغه این شهر را ندارد و خود شهر، اجزا و ارکانش، یکپارچگی و بافتش، هویت اجتماعی و اقتصادی و کالبدی‌اش دغدغه هیچ‌کس نیست، حتی دغدغه متولیان‌ش هم نیست؛ لذا هویت تهران یک امر متزلزل و می‌توان گفت تقریباً از میان‌رفته است. نتایج حاصل از تحلیل لایه‌ای علی، در قالب یک مدل شماتیک در شکل ۳ ارائه گردیده است.

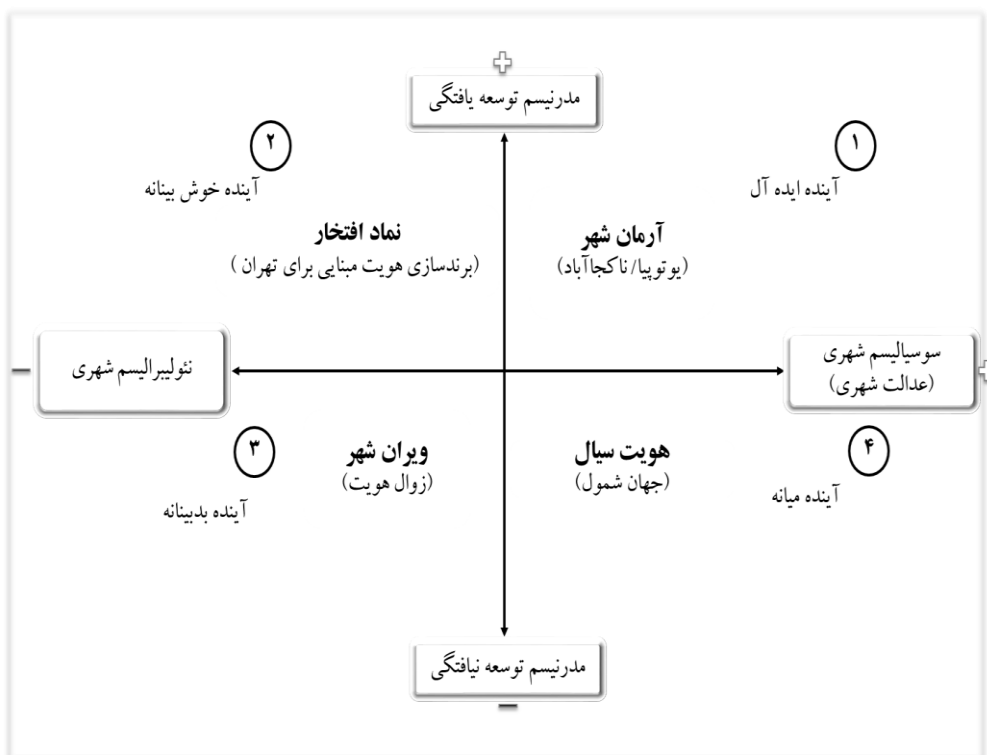


شکل ۳: مدل تحلیل لایه‌های علی هویت شهری تهران

۶- سناریوهای آینده هویت شهر تهران

تحلیل لایه‌ای علی روشی است که در آینده‌پژوهی برای کشف سناریوهای مختلف و علل زمینه‌ای آن‌ها استفاده می‌شود (یرجولا و همکاران، ۲۰۲۲). «همان‌گونه که عنوان شد تحلیل لایه‌ای علی موجب شده تا با حرکت به عمق لایه‌های مرتبط با مسئله یا موضوع مورد نظر، موضوع و ابعاد آن بیشتر شکافته شود و سناریوهای مربوط به آینده آن نیز بهتر و عمقی‌تر طراحی گردد» (قنبری، ۱۳۹۴: ۳۷؛ به نقل از نیازی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵). در این مطالعه برای نگاشتن سناریو از مدل ماتریس ۲*۲ عدم قطعیت دوگانه استفاده شده است. «هسته روش عدم قطعیت دوگانه این است که در دو محور، مهم‌ترین عدم قطعیت‌های سیستم کلی تحت مطالعه را نشان می‌دهند، سپس سناریوها با ترکیب عدم قطعیت‌ها ایجاد می‌شوند؛ لذا آن‌ها باید مهم‌ترین و عدم قطعی‌ترین پیشران‌ها را که در فرآیند تحلیل

شناسایی شده‌اند، نشان دهند. علاوه بر این، سناریوهای ایجادشده توسط ترکیب محورهای باید سؤالات استراتژیک چالش‌برانگیزی ایجاد کند» (کوری و شولتز، ۲۰۰۹؛ ریدرخ، ۲۰۱۷). از میان پیشران‌های مختلفی که می‌توانند مسئله یا موضوع هویت شهر تهران را تحت تأثیر قرار دهند، از سطح گفتمان یا جهان‌بینی، دو پیشران بر اساس میزان اهمیت و عدم قطعیت توسط خبرگان انتخاب گردید که عبارت از «تولیرالیسم و کالایی شدن شهر» و «مدرنیسم توسعه‌نیافتگی» است.



شکل ۴: سناریوهای هویت شهر تهران بر اساس تحلیل لایه‌ای علی

۱-۶- سناریوی ایدئال (آرمان‌شهر): مدرنیسم توسعه‌یافتگی و سوسیالیسم شهری، منجر به شکل‌گیری نوعی یوتوپیا یا آینده ایدئال برای هویت شهر تهران می‌گردد. در این سطح شهر تهران با توجه به رواج الگوی توسعه شهری درون‌زا و تحقق عدالت شهری، دارای هویت متمایزی می‌شود که از گذشته و اصالت خود الهام گرفته است. در این سناریو شهر تهران دارای نوعی امضای هویتی است که از تفکر جمعی حاصل‌شده و جامعه شهری در قالب یک کل واحد، هماهنگ، مترقی و توسعه‌یافته، پایدار و پیشرو، با احیای ریشه‌های اصالت و شخصیت شهر تهران، پاسخگوی نیازها و سبک زندگی

ترقی یافته و امروزی شهروندان از یک سو و از سوی دیگر، در جایگاه کلان‌شهری اثرگذار در رده شهرهای جهانی است.

۲-۶- سناریوی خوش‌بینانه (نماد افتخار): مدرنیسم توسعه‌یافتگی و نئولیبرالیسم شهری، در کنار یکدیگر آینده خوش‌بینانه هویت شهر تهران را می‌سازند، تعاملی که منجر به شکل‌گیری هویت شهر تهران به‌عنوان یک عامل مؤثر در برندسازی برای این شهر می‌گردد. در این آینده، هویت شهر تهران بر اساس الگوی توسعه درون‌زا و نئولیبرالیسم شهری ساختار می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر تهران، بازنمودی از کالایی شدن و ارزش مبادله شده و ضمناً مصرف‌زدگی و فردگرایی در آن غالب است. در این سناریو هویت شهر تهران در رقابت با شهرهای جهانی، در حال شکل دادن به هویت خاص خود، مبتنی بر شهرسازی دموکراتیک و ریشه‌دار در سنن تاریخی و نیز الگویی بدیل در عرصه هویت‌مندی شهرهای جهانی است. به‌بیان‌دیگر، برندسازی از طریق هویت برای شهر تهران آن را در میان کلان‌شهرهای جهانی به شهری شاخص و در حال رقابت با سایر کلان‌شهرها تبدیل می‌کند. در این سناریو نئولیبرالیسم عمدتاً در وجوه و ابعاد سازنده خود تحقق یافته و منجر به توسعه در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، هویتی-معنایی و محیطی شده و تهران را به سطح کلان‌شهرهای پایدار، هویت‌مند، شاخص و جاذب برای حضور گردشگران و سرمایه‌گذاران ارتقا می‌دهد.

۳-۶- سناریوی بدبینانه (ویران شهر): نئولیبرالیسم شهری و مدرنیسم توسعه‌نیافتگی منجر به تولد ویران شهری می‌شود که آینده بدبینانه هویت شهر تهران را رقم‌زده است. در این سطح، هویت شهر تهران مبتنی بر الگوی توسعه برون‌زا و غلبه ارزش مبادله و اقتصاد رانتی در حال ساختن و بازتولید خود است. شهر دائماً در حال تخریب گذشته خود و نوشدن‌های ناپایدار و مبتنی بر اقتصاد نوکیسگان است و هویت آن با سرعت تحولات و رشد تکنولوژی در تضاد قرار گرفته و بیشتر در حال ساختن هویتی تقلیدی است و سرانجام دچار زوال هویت خواهد شد؛ شهری که احساس تعلق خاطر در ساکنان ایجاد نمی‌کند. به‌عبارت‌دیگر در این شرایط هویت تهران بیان‌کننده شهری بدون شناسنامه بوده و در آن «شبه توسعه» ای با رویکرد آمرانه در سطح کلان قدرت در حال پیشتازی است. این سناریو، زاده پیوند نامبارک اقتصاد و سیاست نئولیبرال، مدرنیسم ناتمام و توسعه‌نیافتگی عمیق است که تنها صورت‌هایی از مدرنیته و توسعه را یدک کشیده و از درون تهی و ناپایدار است. در این شرایط

انسان در مقیاس اجتماع^{۱۳۷} به فراموشی سپرده شده و دیگر مؤلفه‌های آن نیز سرنوشتی مشابه هویت یافته و مسیر زوال را طی خواهد کرد؛ ویران شهری که آیندگان ساکن در آن، در جستجوی هویت و ریشه‌های خود دچار سردرگمی و پریشانی مرکب خواهند شد.

۴-۶- سناریوی میانه (هویت سیال): مدرنیسم توسعه‌نیافتگی و سوسیالیسم شهری منجر به همگون سازی کلان‌شهرها در سطح دنیا می‌شود: شهرهایی که از گذشته تاریخی خود جدا شده‌اند. در این سناریو هویت شهر تهران مبتنی بر الگوی توسعه برون‌زا و شبه مدرن و همچنین غلبه ارزش مصرف ساخته می‌شود. در این سناریو روند هویت‌سازی شهر با تقلید از الگوهای جهانی در حال رخ دادن است و از سوی دیگر توسعه عدالت محور در سیاست‌های مدیریت شهری مورد تأکید قرار گرفته، اما باید به این مقوله توجه داشت که سرعت بالای تغییرات در مقیاس جهانی مسئله مدرنیسم توسعه‌نیافتگی را عمق بخشیده و آسیب‌های ناشی از آن را در جامعه شهری به سمت بحران سوق می‌دهد؛ از سوی دیگر غلبه روحیه مصرف‌گرایی یا ارزش‌وارگی مصرف، تقلید در مقیاس جهانی را افزایش داده و شهر دچار هویت سیال در معنای متغیر بودن و ناپایداری هویت می‌شود. در این شرایط تحقق عدالت و سوسیالیسم شهری نیز عمدتاً در حد شعار و مدیریتی باقیمانده و زمینه تحقق آن فراهم نمی‌شود. در نتیجه این سؤال را به پرسشی جدی تبدیل می‌سازد که: آیا هویت شهر تهران می‌تواند سیال باشد؟

۷- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تهران چکیده‌ای درهم‌تنیده از روابط قدرت است؛ هر فرد که مدتی در تهران زندگی کند، کم‌وبیش احساس خواهد کرد که پس‌زمینه هویت تهران، جدای از قدرت نیست. هویت تهران، از گذشته تا امروز تحولاتی بنیادین را پشت سر گذاشته است. هویت به معنای «این‌همانی»^{۱۳۸} بیانگر گذشته تاریخی تهران است و نشان می‌دهد که این شهر نسبت به گذشته چه تغییراتی را طی کرده است؛ اما هویت تهران در روزگار معاصر و با توجه به قرارگیری در وضعیت جهانی شدن، یکپارچگی در عرصه‌های مختلف، افزایش مشابهت‌ها و تغییرات پرسرعتی که با آن همراه است، بیش از آنکه مفهوم

137. Community

138. Sameness

«این‌همانی» را تداعی کند، بر مفهوم «مشابهت»^{۱۳۹} یا خویشاوندی تأکید می‌کند؛ به بیان دیگر، هویت در مورد شهر تهران بیشتر مفهوم خویشاوندی را به همراه دارد. یعنی افراد با دیدن آن یاد دیگر تجارب خود از شهرها (نه الزاماً یاد گذشته شهر تهران) افتاده و خاطرات برایشان زنده می‌شود و احساس می‌کنند که فضایی که در آن حضور دارند، شبیه به تجارب پیشین است. در این شرایط ممکن است هر شهر دیگری را به تهران نسبت دهند؛ این مقوله اکیداً مفهوم هویت شهر را متزلزل می‌کند. زیرا تصاویر ذهنی تداعی شونده برای شهروندان، پدیده هویت تهران را به جای اینکه به سابقه و ریشه‌های خودش اتصال دهد، به تجاربی دیگر پیوند می‌دهد و در نتیجه هویت تهران در قالب متغیری وابسته، به امری کاملاً نسبی تبدیل می‌گردد و بیشتر از اینکه قائم‌به‌ذات و گذشته خودش باشد، وابسته به دیگر تجارب افراد است.

هویت فرد تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل می‌گیرد و یکی از عوامل تأثیرگذار در هویت فرد، هویت مکانی است و یکی از ابعاد هویت مکانی، هویت ساختاریافته در فضاهای شهری و برخاسته از تجربه زیسته شهروندان در شهر است؛ این در حالی است که عوامل مختلفی همچون شهرنشینی شتابان، توسعه نامتوازن، افزایش مهاجران و جمعیت ساکن در شهر، تکثر قومی و فرهنگی، سیاست‌های تمرکزگرا، تغییرات پرسرعت تکنولوژی، رشد اقتصاد تئولیرال، جهانی‌شدن، گسترش ارزش مبادله‌ای ۱۴۰ در تصرف فضاها و... منجر به تحولات دگرگون‌ساز در کالبد و معنای شهر یا دگرگونی در هویت آن شده است. در نتیجه ساکنان شهر به آن احساس تعلق و دل‌بستگی نمی‌کنند و دیگر نگران آینده شهر نیستند. زیرا در این شرایط شهر غالباً برای سوداگری ساخته می‌شود و بخش قابل توجهی از مردم در ساختن آن مشارکت چندانی ندارند و این مقوله خود منجر به بی‌تفاوتی نسبت به آینده آن می‌شود. تهران با سرعت شتابان تکنولوژی‌های مدرن در حال ساختن و بازساختن است و این یویایی و تحرک، ثبات هویت را به خطر می‌اندازد. به عبارت دیگر «هویت و خود بنیادی انسان به دست نیروهای ویرانگر سازمان اجتماعی سرمایه‌داری مدرن در آستانه نابودی و انهدام قرار گرفته است» (دان، ۱۴۰۱: ۱۱۴). حفظ میراث ذاتی و منحصربه‌فرد بودن هویت شهر در توسعه شهرهای آینده

139. Affinity

140. Exchange value

برای پایداری آن از اهمیت زیادی برخوردار است؛ پژوهش‌های هارتانتی^{۱۴۱} (۲۰۱۴)، هوانگ^{۱۴۲} (۲۰۱۹)، میلچوک و گناتیوک^{۱۴۳} (۲۰۱۹) نیز بر این مهم اشاره داشته‌اند. البته تأکید بر رویکرد موزه‌ای نسبت به شهر و حفظ تک بناها و فضاها، شاخص، نمی‌تواند هویت پایداری را برای شهر ایجاد کند، اما یک شهر با ساختار یکپارچه، منسجم و احساس آرامش نسبی (نقطه مقابل تحولات شتابان) در نحوه ادراک شهروندان مؤثر بوده و در بین آن‌ها نسبت به شهر احساس تعلق و دل‌بستگی فردی و جمعی ایجاد کرده و زمینه‌ساز قوام هویت می‌گردد.

استفاده از فرایندهای گوناگون آینده‌نگاری، برای مراحل مختلف برنامه‌ریزی شهری، امری ضروری است (عنایت‌الله، ۲۰۱۱: ۶۶۰). پژوهش حاضر با هدف فهم هویت شهر تهران، از دو روش متوالی تحلیل تم و تحلیل لایه‌ای علی، به منظور ترسیم سناریوهای بدیل آینده هویت تهران انجام شده است. تحلیل لایه‌های علی هویت شهر تهران نشان می‌دهد در سطح لیتانی، «بحران هویت» مسئله مشهود هویت شهر تهران است که به چهار مقوله «آشفته‌گی، شهر تقابل‌ها، سیال و متکثر، معنا‌باخته و بی‌روح» دسته‌بندی شده است. شهر تهران، دچار آشفته‌گی در عین و ذهن گردیده است و این آشفته‌گی بیانگر هویتی شاخص و متمایز در شناسنامه این شهر نیست. بنابراین هویت تهران در این فرایند، تحولات تکاملی خودبنیاد، گسترده و همگانی را سپری نکرده است، بلکه با زدودن سنت‌ها و گذشته خود، بیشتر به سمت وسوی شهری با توسعه نابرابر و دچار مدرنیسم صوری حرکت کرده است. همچنین غلبه نگاه تضادآمیز نسبت به میراث گذشته، منجر به انقطاع تاریخی و همسان‌سازی بی‌روح در همه ابعاد این شهر شده است.

در سطح علل سیستماتیک، شهرهای معاصر با روندهای فعلی جهانی شدن، یکسان‌سازی و سرعت تحولات تکنولوژیک با بحران‌های مشابهی روبرو هستند و در کنار حفظ میراث تاریخی و فرهنگی و سنن گذشته، نیاز به هویت‌سازی برای شهرهای خود دارند؛ به‌نحوی که شهر برای ساکنانش دارای شخصیت منحصر به فرد شده و در رقابت‌پذیری شهری نیز شاخص گردد. مطالعات آکار آرکان^{۱۴۴}

141. Hartanti

142. Hoang

143. Melnychuk., Gnatiuk

144. Arkan

(۲۰۱۶)، مورنو و همکاران^{۱۴۵} (۲۰۲۱) نیز صراحتاً بر این مسئله تأکید داشته‌اند. در لایه دوم علل سیستماتیک، چهار مقوله «جامعه کوتاه‌مدت، فضاهاى سودازده، گردونه بی‌مهاری و بلازه شدن» در باب هویت شهر تهران استخراج شده است؛ اشاره جامعه کوتاه‌مدت به هویت تهران، تمثیلی است از این مفهوم که شهر دائماً در حال تخریب، بازسازی و نو شدن فارغ از گذشته است، عمر بناها و فضاها در آن کوتاه است و این دگرگونی مستمر فرصت شکل‌گیری هویت پایدار را در فرایند ادراک شهروندان فراهم نمی‌کند. مقوله «شهر تقابلی‌ها» به این موضوع تأکید دارد که تهران عصاره و چکیده‌ای درهم‌تنیده از قدرت‌های اقتصادی و سیاسی است و به‌شدت تبدیل به عرصه‌ای برای بازنمایی روابط سرمایه‌داری شده است. در نتیجه شهر در تصرف سرمایه قرار گرفته و برونداد آن تقابلی طبقاتی و نابرابری یا بی‌عدالتی شهری است. مقوله «گردونه بی‌مهاری» به این بُعد اشاره دارد که شهر تهران در سیر رشد کالبدی و فضایی شتاب‌زده، رشدی نامتوازن را تجربه می‌کند. به بیان دیگر فرهنگ عینی و ذهنی شهر با یکدیگر تطابق ندارد و به‌نوعی سرعت تغییرات بیشتر از سرعت تجربیات انسانی است. این ناهماهنگی بین دو عرصه عین و ذهن، اجازه رخداد «این‌همانی» (قوام هویت) را نمی‌دهد و شهر دائماً در حال تغییر و دگردیسی است. به بیان دیگر تغییرات بنیان برافکن مدرنیته، منقطع از ریشه‌های فرهنگی شهر تهران، منجر به تخریب خاطرات مردم و عدم شکل‌گیری خاطرات نو در آن شده و با شتاب روزافزون سرعت زندگی در کلان‌شهرها سازگار نیست. مقوله چهارم در این لایه «بلازه شدن» که به‌نوعی بر بیگانگی ساکنان با شهر و کاهش احساس تعلق به آن تأکید دارد؛ تهران به شهری خاکستری برای ساکنانش تبدیل شده است. این رخداد از ویژگی‌های بارز جامعه توده‌وار شهری است و افراد را نسبت به محیط شهر و دیگر ساکنان بی‌تفاوت و منزوی کرده است. زیملا اصطلاح «بلازه شدن» را به ویژگی شخصیت روانی افرادی در کلان‌شهرها نسبت می‌دهد که محرک‌های بیرونی و درونی، آن‌ها را نسبت به محیط اطراف خود، بی‌تفاوت و دل‌زده می‌کند. به بیان دیگر یکی از عوامل مؤثر بر هویت تهران در سطح خرد، بی‌تفاوتی اجتماعی است که مردم نسبت به شهر، زیست‌بوم و

آینده آن بی تفاوت شده‌اند و دغدغه شهر و هویت آن برایشان جایگاهی ندارد. مطالعات یالدیر^{۱۴۶} (۲۰۱۴) اشاره می‌کند در شهرهای مدرن، بیگانگی فرهنگ عینی بر فرهنگ ذهنی غلبه می‌کند.

لایه سوم گفتمان، جهان‌بینی و ایدئولوژی در ۴ مقوله «مدرنیسم توسعه‌نیافتگی، نئولیبرالیسم شهری، توسعه جهانی شهر، فردگرایی و تنوع‌گرایی» مورد تحلیل قرار گرفت؛ مقوله «مدرنیسم توسعه‌نیافتگی» اشاره به این مقوله دارد که هویت تهران نوعی «مدرنیسم برون‌زا» را تجربه می‌کند، تحولی که در ذات و موجودیت شهر ریشه نداشته است. لذا تهران به‌عنوان شهری که همیشه متمایل به نوگرایی و رو به مدرن شدن است، در این رشد خیره‌کننده عمدتاً کالبدی، توسعه متوازن و فراگیری را تجربه نکرده است و لذا هویت نوآورانه و پایداری را که مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری به دنبال آن هستند ترسیم نمی‌کند؛ این عدم تعادل منجر به آشفتگی هویتی در این شهر شده است. گویی در روزگار جهانی‌شدن، چندان گریزی از همراهی با سیر تحولات جهانی نیست و تهران هم از اواخر دوره قاجاریه به این‌سو، همواره رو به تحول و نو شدن بوده و این «دگرگونی مدام» به یکی از ویژگی‌های شخصیتی پایدار تهران تبدیل شده است. در این راستا، مارشال برمن^{۱۴۷} در کتاب تجربه مدرنیته به تقابل بودلر و داستایوسکی و پاریس و پترزبورگ در تاریخ جهان مدرن اشاره می‌کند: «در یک قطب شاهد مدرنیسم ملل پیشرفته‌ایم، که جامعه خود را مستقیماً بر اساس مواد و مصالح مدرنیزاسیون سیاسی و اقتصادی بر پا می‌کنند و از دل واقعیتی مدرنیزه شده انرژی و آرمان‌های خویش را استخراج می‌کنند. هرچند این آرمان‌ها در مواقعی همان واقعیت را به طرق ریشه‌ای به چالش می‌کشند. در قطب مقابل مدرنیسمی را می‌یابیم که از دل عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی برمی‌خیزد. این نوع مدرنیسم نخستین بار در روسیه، و به دراماتیک‌ترین شکل در سن پترزبورگ، در قرن نوزدهم ظاهر گشت؛ در دوره ما همراه با گسترش مدرنیزاسیون، این نوع از مدرنیسم در سراسر جهان سوم گسترش یافته است (برمن، ۱۳۹۷: ۲۸۵-۲۸۴). بنابراین توسعه‌ای که از درون یک ساختار شکل نگیرد، هرگز در ذهن افراد درونی نمی‌شود و بیشتر حالت عنصری زائد و مصرفی پیدا می‌کند که زمینه‌ساز و شکل‌گیری هویت را ایجاد نمی‌کند. توسعه در ابعاد کالبدی آن به تبع رشد

146. Yaldir

147. Berman

تکنولوژی‌های نوین، رشد چشمگیری کرده است. اما این توسعه کالبدی در تهران بدون ضابطه و نظام‌مندی معین در حال شکل دادن به اجزای بیرونی خود بوده و اغتشاش در ابعاد مختلف کالبدی، اجتماعی و فرهنگی از نتایج آن است. مقوله دوم در این سطح «تئولبرالیسم شهری» است؛ تئولبرالیسم شهری به رویکردی غالب در الگوهای مدیریت و توسعه شهری تهران تبدیل شده است. هویت شهر تهران متأثر از تحمیل روابط سرمایه‌داری در همه ابعاد زندگی ساکنین شده و این شهر را به عرصه‌ای برای رقابت‌پذیری جهانی تبدیل کرده است؛ عرصه‌ای که در آن منافع سرمایه‌گذاران در اولویت قطعی بوده و مردم از عرصه تصمیمات کنار گذاشته شده‌اند؛ مقوله‌ای که هاروی^{۱۴۸} (۱۹۸۷) و پک^{۱۴۹} (۲۰۱۲) نیز صریحاً به آن اشاره کرده‌اند. مقوله «توسعه جهانی شهرها» در سطح سوم اشاره‌ای است به تحولات شهرها متناسب با روند جهانی شدن و یکسان‌سازی شهرها که خود منجر به ترویج فرهنگ مصرفی در سیاست‌های مدیران شهری و رفتارهای روزمره ساکنین نیز شده است. به عبارت دیگر، غلبه «عقلانیت ابزاری» برخاسته از تفکر تئولبرالیسم، منجر به پیدایش شهرهای یکپارچه و همگون‌شده و به‌واقع شهرهایی با هویت سیال و متکثر مانند تهران ایجاد کرده است؛ این نوع عقلانیت طبعاً منجر به پیدایش هویت منسجم و پایدار برای شهرها نخواهد شد. مقوله چهارم در این لایه «فردگرایی و تنوع‌طلبی» که منجر به شکل‌گیری فرهنگ توده‌ای و رواج روحیه مصرف‌گرایی افراطی در تهران شده است. چنانچه که دان^{۱۵۰} (۱۴۰۱: ۱۸۴-۱۸۳) اشاره می‌کند: «آدمیان در وضعیت حاصل از پست‌مدرنیته، عرصه‌های جستجوی هویت را در کردوکارهای مصرف و تجربه جسته‌گریخته و گذرای فرهنگ توده‌ای و ارتباطات از راه دور بازجسته‌اند. فرهنگ توده‌ای با بسط بی‌حد و حصر دامنه امکانات فرهنگی و نمادین، وسایل و منابع جدیدی برای تکوین هویت اجتماعی و شخصی مقابل افراد نهاده است. گو اینکه ماهیت موقت و مقید مناسبات مصرف مجال تعریف کردن، استحکام بخشیدن و معتبر ساختن خود را که قالب‌های اجتماعی هم‌گروهی و پیوندهای پایدارتر میان اعضای گروه‌های سنتی به افراد می‌دادند، از ایشان دریغ می‌دارد». به عبارت دیگر، دگرگونی هویت را باید در تغییر نگاه افراد به زندگی جستجو کرد. با تحولات سبک زندگی و رشد فرهنگ مصرفی هویت کالبدی

148. Harvey

149. Peck

150. Dunn

فضاها نیز دائماً در حال تغییر و تحول است و این تنوع‌گرایی اجازه شکل‌گیری هویت اصیل و منحصر به فرد را به شهر تهران نمی‌دهد. در واقع مرکزیت یافتن نظام رسانه‌ای، مرجعیت سایر عناصر هویت‌ساز گذشته را تغییر داده و بر فرایند هویت‌یابی و هویت‌سازی شهرها نیز تأثیرات عمیقی گذاشته است. در لایه چهارم نیز به سطوح پنهان هویت شهر تهران، به صورت استعاره و اسطوره پرداخته شده و ۴ مقوله «هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود، عریان شدگی فقر و غنا، در گردباد کلان‌شهر جهانی و شهر نسیان زده» در آن مورد تحلیل قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

تهران شهری چندفرهنگی ۱۵۱ است؛ بنابراین لازم است روش‌هایی که توسط آن‌ها مسئله قومیت در برنامه‌ریزی شهرهای چندفرهنگی تفسیر می‌شود (عالیان و وود؛ ۲۰۲۱)، در راستای شکل‌دهی به هویت شهر لحاظ شود. همان‌طور که در بخش تجزیه و تحلیل یافته‌ها مطرح گردید، ادراک از هویت تهران در تصویر ذهنی شهروندان، بیش از قرابت به مفهوم «این‌همانی» به مفهوم «خویشاوندی» گرایش پیدا کرده است؛ اگرچه این سویه منجر به نسبی شدن، سیال شدن و تزلزل مفهوم هویت تهران شده است، اما به‌هر حال امری اجتناب‌ناپذیر است و در شرایط حاضر با آن مواجه هستیم. لذا طراحان و برنامه‌ریزان شهری می‌توانند از این شرایط به‌عنوان فرصت استفاده کرده و در ایجاد فضاها شهری جدید، ضمن نگاه به مؤلفه‌های هویت‌بخش درون‌زا (برخاسته از زمینه و گذشته تهران)، از مؤلفه‌ها و مصادیقی استفاده کنند که در زمره تصاویر ذهنی مطلوب «انسانِ امروزی» ساکن در تهران قرار می‌گیرد. این رویکرد دست‌کم می‌تواند عرصه‌ای برای احیای جایگاه، اهمیت و کارکرد مفهوم هویت برای شهر تهران باشد.

بر مبنای مطالعات صورت گرفته از طریق الگوی تحلیل لایه‌ای علی بر روی هویت شهر تهران، چهار سناریوی آینده ایدئال (آرمان‌شهر تهران)، آینده خوش‌بینانه (هویت تهران، ابزار برندسازی شهر)، آینده میانه (هویت سیال) و آینده بدبینانه (ویران‌شهر - زوال هویت) ارائه شده است؛ ادامه یافتن شرایط موجود شهر تهران بر اساس مطالعات صورت گرفته و همچنین مصاحبه‌های این پژوهش،

حکایت از سلطه مطلق رویکردهای نئولیبرالیستی و نابرابری شهری از یکسو و تعمیق ابعاد «مدرنیسم توسعه‌نیافتگی» در ارکان زندگی شهروندان از سوی دیگر است. تداوم این رویه می‌تواند احتمال وقوع آینده بدبینانه (سناریوی سوم) را افزایش دهد.

اما در نقطه مقابل تحقق سناریوی بدبینانه، تحقق سناریوی خوش‌بینانه در ارتباط با هویت تهران قرار دارد. یعنی سناریویی که در آن هویت تهران «نماد افتخار» و شاخص محوری این شهر در رقابت با کلان‌شهرهای جهانی است. تحقق این سناریو در صورت اهتمام مجموعه مدیریت شهری و همراهی شهروندان، هرگز دور از ذهن و ناممکن نیست. تقویت زمینه‌های دموکراسی شهری، آموزش همگانی از طریق تمام امکانات در اختیار و برای همه گروه‌های شهروندی، فراهم‌سازی عرصه‌های لازم برای مشارکت و تجربه شهروندان از دموکراسی در شهر، ابتدای برنامه‌ها بر ظرفیت‌های موجود شهر تهران، فرهنگ‌سازی برای کاهش روحیه مصرف‌گرایی، بازآفرینی (تجدید نسل) ارزش‌های جاری در گذشته تهران، پرهیز از جنبه‌های منفی و استفاده از جنبه‌های مثبت اندیشه سیاسی - اقتصادی نئولیبرالیسم که بر حیات و روابط کلان‌شهرهای جهانی سایه انداخته است، با هدف افزایش کارآمدی برنامه‌ها و طرح‌ها، می‌تواند دستیابی به سناریوی خوش‌بینانه را تسهیل کند. بنابراین لازم است که مدیران شهری، با تغییر نگرش‌های تمرکزگرا و قدرت محور، چرخش به سمت الگوهای مشارکت محور داشته باشند، و از طریق احیای سرمایه اجتماعی در بین شهروندان به تحقق عدالت شهری کمک نمایند، و نیز با به‌کارگیری عقلانیت ارتباطی، با هدف سوق دادن زمینه‌های مدرنیسم و امکانات آن در جهت توسعه‌یافتگی درون‌زا و پایدار، زمینه‌های احیای هویت شهر تهران را فراهم، و به‌سوی آینده خوش‌بینانه (سناریوی دوم) حرکت کنند.

منابع و مأخذ

استیون مایلز، مالکوم مایلز (۱۳۹۵). شهرهای مصرفی. ترجمه مرتضی قلیچو محمدحسن خطیبی بایگی. تهران:

نشر تپسا.

اسوندسن، لارس. (۱۳۹۴). فلسفه ملال. ترجمه افشین خاکباز. تهران: نشر نو.

باباگلی، مؤده. (۱۳۹۲). فضاهاى نابرابر شهری در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.

باکاک، رابرت (۱۳۹۸). مصرف. (مترجم: خسرو صبوری). تهران، انتشارات شیرازه.
برمن، مارشال (۱۳۹۷). تجربه مدرنیته: هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود. (مترجم: مراد فرهاد پور). تهران، طرح نقد.

پور احمد، احمد؛ موسوی، سیروس (۱۳۹۶). جهانی‌شدن و شهرهای جهانی با نگاهی به شهر تهران. تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.

پیربائنی، ربیعی فر، ولی‌الله، اسدی محل‌چالی، مسعود. (۱۳۹۷). پیش ساختار شهرها از منظر راهبرد شهر خلاق (مطالعه موردی: ۸ کلانشهر کشور). فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۵(۳)، ۱۱-۳۱.

جین، مارک (۱۳۹۶). شهرها و مصرف. (مترجم: مرتضی قلیچ). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
خواججه‌نوری، جعفری، پرنیان. (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی با فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان مورد مطالعه: شهر شیراز. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۴(۴)، ۴۳-۶۶.

دان، رابرت (۱۴۰۱). بحران‌های هویت: نقد اجتماعی پست مدرنیته. مترجم: صالح نجفی. تهران، نشر شیرازه.
رضایی، ا؛ اینالو، م؛ فکری، م (۱۳۸۹). مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۲، ش ۴۷، ص ۱۴۱-۱۷۰.

زیمل، جورج (۱۳۷۲). کلان‌شهر و حیات ذهنی. مترجم: یوسف اباذری. نامه علوم اجتماعی، ۳(۰)، ۵۳-۶۶.
ساندرز، پیتر (۱۳۹۲). نظریه اجتماعی و مسئله شهری (چاپ اول). مترجم: محمود شارع پور. تهران: نشر تیسرا.

شارع پور، محمود (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی شهری. تهران: انتشارات سمت.
شالچی، شجاعی، فرهنگی. (۱۳۹۵). بازسازی شهری، تصویر تهران و تجربه بیگانگی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی/ایران، ۹(۱)، ۱-۳۲.

شیبانی، ملیحه؛ رضوی الهاشم، بهراد؛ و دلپسند، کامل. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران. مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۲(۴)، ۲۱۵-۲۴۰.

- فکوهی، ن.؛ حسین یزدی، م. (۱۳۹۲). هویت مکانمند و بی‌هویتی در فضای شهری: مطالعه موردی دو مجتمع مسکونی در شهر تهران. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۳(۲)، ۴۴-۷.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۹). هویت و بی‌هویتی شهری. نشر مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران.
- قلی پور. (۱۳۹۶). سکنی‌گزیدن در کلان‌شهر تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)*، ۲۴(۱)، ۱۰۱-۱۲۳.
- لیلاز، سعید (۱۳۹۸). موج دوم (تجدد آمرانه در ایران) تاریخ برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم. تهران، انتشارات نیلوفر.
- محمدزاده اصل، نازی، امام وردی، قدرت الله و سریر افزار، محمد (۱۳۸۹). رتبه بندی شاخص‌های رفاه شهری مناطق مختلف شهر تهران. *پژوهش و برنامه‌ریزی*، ۱(۱)، ۱۰۶-۸۵.
- مدنی پور، علی (۱۳۹۳). کلان‌شهرها: شکل شهری، حکمروایی و پایداری. تهران: مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی شهری تهران.
- میرسپاسی، علی (۱۳۸۷). دموکراسی، یا، حقیقت: رساله‌ای جامعه‌شناختی در باب روشنفکری ایرانی. تهران: طرح نو.
- نیازی، محسن؛ مزروعی نصر آبادی، اسماعیل؛ نقی پورایوکی، سحر (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی سبک زندگی اقتصادی با رویکرد لایه‌ای-علی. *آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی*، سال ۲، شماره ۲.
- یاهک، سجاد. میرزایی، مسعود و بهاری، نادر (۱۳۹۹). هویت شهری به‌مثابه ارزش فرهنگی: تداوم و دل‌بستگی یا ازهم‌گسیختگی و فرار مطالعه مردم تهران، *نشریه مطالعات رهبری فرهنگی*، ۱(2)، 27-3.

References

- Akkar Ercan, M. (2016). 'Evolving' or 'lost' identity of a historic public space? The tale of Gençlik Park in Ankara. *Journal of Urban Design*, 1-24.
- Akyıldız, and Olğun. (2020). sustainable traditional in the context of urban identity value investigation of settlement areas. *International Journal of Engineering Technologies and Management Research*, 7(5), 21-29.
- Alian, S., & Wood, S. (2021). What difference does 'difference' make? Identity, difference and the multicultural city. *Planning Theory*, 20(4), 286-302.
- Anastasiou, D., Tasopoulou, A., Gemenetzi, G., Gareiou, Z., & Zervas, E. (2022). Public's perceptions of urban identity of Thessaloniki, Greece. *Urban Design International*, 1-25.

- Ashfina, T., Garg, P., & Chani, P. S. (2022). The Significance of Traditional Urban Public Spaces in Sustaining Place Identity in the Urban Landscape of Kerala. *Heritage & Society*, 1-14.
- Bae, Y., & Joo, Y. M. (2020). The making of Gangnam: social construction and identity of urban place in South Korea. *Urban Affairs Review*, 56(3), 726-757.
- Baris, M. E., Uckac, L., & Uslu, A. (2009). Exploring public perception of urban identity: The case of Ankara, Turkey. *African Journal of Agricultural Research*, 4(8), 724-735.
- Belanche, D., Casalo, L. V., & Flavián, C. (2017). Understanding the cognitive, affective and evaluative components of social urban identity: Determinants, measurement, and practical consequences. *Journal of Environmental Psychology*, 50, 138-153.
- Beyhan, S. G., & Gürkan, Ü. Ç. (2015). Analyzing the relationship between urban identity and urban transformation implementations in historical process: the case of Isparta.
- Boussaa, D. (2016). Cities in the Gulf: Rapid urban development and the search for identity in a global world. In *Population growth and rapid urbanization in the developing world* (pp. 166-191). IGI Global.
- Boussaa, D. (2021). The past as a catalyst for cultural sustainability in historic cities; the case of Doha, Qatar. *International Journal of Heritage Studies*, 27(5), 470-486.
- Brenner, N., & Theodore, N. (2002). Cities and the geographies of “actually existing neoliberalism”. *Antipode*, 34(3), 349-379.
- Harvey, D. (1989). From managerialism to entrepreneurialism: The transformation in urban governance in late capitalism. *Geografiska Annaler. Series B. Human Geography*, 71(1), 3-17.
- Peck, J. (2012). Austerity urbanism: American cities under extreme economy. *City*, 16(6), 626-655.
- Cheshmehzangi, A. (2015). Urban identity as a global phenomenon: Hybridity and contextualization of urban identities in the social environment. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 25(5), 391-406.
- Cheshmehzangi, A., & Heat, T. (2012). Urban identities: Influences on socio-environmental values and spatial inter-relations. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 36, 253-264.
- Csaszar, T. (2009). Waldemar Heckel, the Conquests of Alexander the Great. *Past Imperfect*, 15
- Curry, A., Schultz W, “Roads Less Travelled: Different Methods, Different Futures”, *Journal of Futures Studies*, 13(4), 2009, pp. 35-60.
- Elsayed, Y. A. (2019). Urban identity formation in light characteristics of future cities. *The Academic Research Community publication*, 3(2), 269-278.
- Fouladgar, M. M., Borumand Kakhki, A., Nasr Esfehni, A., & Sedighi, M. (2022). A policy prioritization framework using causal layered analysis and MCDM: case study of Iran’s environmental policies. *foresight*, 24(6), 678-693.
- Gao, B. (2010). *Comprehensive Urban Design in Small Cities for Creation of Features*. The University of Tianjing.

- Hao, L., Guo, C., & Xiang, Z. (2020). Quality, characteristics, and identity protection of urban space in the internet era. *Landscape Architecture Frontiers*, 8(5), 110-120.
- Hartanti, N. B. (2014). Maintaining the urban identity by managing streetscapes character of Bogor City. In *International Conference on Urban and Regional Planning* (pp. 1-9).
- Hassan, A. A. E. S. (2014). urban design and its role in construction of place identity: towards a methodology for the process of urban design supports making and the future of place identity. *JES. Journal of Engineering Sciences*, 42(2), 510-526.
- Huang, Q. (2019). Brief research on city identity crisis and causes of small/medium-sized cities in China. *Asian Journal of Social Science Studies*, 4(3), 10.
- Inayatullah, S. (2011). City futures in transformation: Emerging issues and case studies. *Futures*, 43(7), 654-661.
- Kandemir, O. (2017, October). Architectural and urban identity transformation of Eskisehir-an Anatolian city. In *IOP conference series: Materials science and engineering* (Vol. 245, No. 4, p. 042031). IOP Publishing.
- Kaymaz, I. (2013). Urban landscapes and identity. In *Advances in landscape architecture*. IntechOpen.
- Kutsal, B. (2013, June). The Effects of the Changing of Urban Identity on Historic Towns. International Conference on Architecture and Urban Design.
- Li, X., Jia, T., Lusk, A., & Larkham, P. (2020). Rethinking place-making: Aligning placeness factors with perceived urban design qualities (PUDQs) to improve the built environment in historical districts. *Urban Design International*, 25, 338-356.
- Lugt, R. V. D. (2013). Is the fostering of an urban identity through a city's past becoming history? An inquiry into the (assumed) contemporary value of built cultural heritage for generating and maintaining distinctive urban identities within the Dutch context.
- Mäntymäki, M., Wirén, M., & Najmul Islam, A. K. M. (2020). Exploring the disruptiveness of cryptocurrencies: a causal layered analysis-based approach. In *Responsible Design, Implementation and Use of Information and Communication Technology: 19th IFIP WG 6.11 Conference on e-Business, e-Services, and e-Society, I3E 2020, Skukuza, South Africa, April 6–8, 2020, Proceedings, Part I 19* (pp. 27-38). Springer International Publishing.
- Mehan, A. (2017). “Tabula Rasa” planning: creative destruction and building a new urban identity in Tehran. *Journal of Architecture and Urbanism*, 41(3), 210-220.
- Melnychuk, A., & Gnatiuk, O. (2019). Public perception of urban identity in Post-soviet City: the case of Vinnytsia, Ukraine. *Hungarian Geographical Bulletin*, 68(1), 37-50.
- Moreno, C., Allam, Z., Chabaud, D., Gall, C., & Pratlong, F. (2021). Introducing the “15-Minute City”: Sustainability, resilience and place identity in future post-pandemic cities. *Smart Cities*, 4(1), 93-111.
- Nientied, P. (2018). Hybrid urban identity—the case of Rotterdam. *Current Urban Studies*, 6(01), 152.
- Oktay, D. (2002). The quest for urban identity in the changing context of the city: Northern Cyprus. *Cities*, 19(4), 261-271.

- Oktaý, D. (2019). Urban Transformation and Identity in Samsun, Turkey: A Future Outlook. *Open House International*, 44(4), 27-35.
- Oktaý, D., Bala, H. A., Cat, A., & Agyare, E. (2015). A holistic research approach to measuring urban identity: findings from Girne (Kyrenia) area study. *Ijar*.
- Pawolocki, F. J. (2021). Layer of protection analysis as auxiliary technique in process safety incident investigations. *Process Safety Progress*, 40, S13-S23.
- Pujol, M., de San Eugenio-Vela, J., & Frigola-Reig, J. (2017). Key elements in defining Barcelona's place values: the contribution of residents' perceptions from an internal place branding perspective. *Place Branding and Public Diplomacy*, 14, 245-259.
- Rhydderch, A. (2017). Scenario Building: The 2x2 Matrix. *Futuribles*. Retrieved from <https://www.futuribles.com/en/group/prospective-and-strategic-foresight-toolbox/document/scenariobuilding-the-2x2-matrix-technique>.
- RITZER, G. (2010), *Sociological Theory*, Eighth Edition, New York: The McGraw-Hill Companies. *The Blackwell Encyclopaedia of Sociology*, Blackwell Publishing Ltd.
- Ritzer, G. (2007). *The Blackwell companion to globalization*. John Wiley & Sons.
- SIMMEL, Georg (2011), *The Philosophy of Money* (Routledge Classics), with a foreword by Charles Lemert, Taylor & Francis e-Library. <http://lib.freescienceengineering.org/view.php?id=722577>. (Accessed: 04 June 2014).
- Siramkaya, S.B. 2019. The effect of change in urban squares on urban identity: The case of Konya. *Architecture Research* 9 (1): 7–15.
- Tölle, A. (2010). Urban identity policies in Berlin: From critical reconstruction to reconstructing the Wall. *Cities*, 27(5), 348-357.
- Van Eldik, A. K., Kneer, J., Lutkenhaus, R. O., & Jansz, J. (2019). Urban influencers: An analysis of urban identity in YouTube content of local social media influencers in a super-diverse city. *Frontiers in Psychology*, 10, 2876.
- Yaldir, h. (2014). The characteristics of the metropolitan personality as seen by georg simmel. *cities in the globalizing world and turkey: a theoretical and empirical perspective*, 201.
- Yrjölä, S., Ahokangas, P., & Matinmikko-Blue, M. (2022, June). Visions for 6G Futures: a Causal Layered Analysis. In *2022 Joint European Conference on Networks and Communications & 6G Summit (EuCNC/6G Summit)* (pp. 535-540). IEEE.